



## پرواز تاریخی تورم مسکن

حکمرانی زمین محور یا دریامحور؟



بزرگان جوی  
رئیس انجمن صنعت ساختمان

ایران با داشتن حدود ۵هزار کیلومتر مرز ساحلی، کمترین استفاده از سواحلش را دارد. ۲۰ درصد جمعیت جهان در ۲۵ کیلومتری دریاها زندگی می‌کنند و ۴۰ درصد جمعیت جهان در فاصله ۱۰۰ کیلومتری و ۶۰ درصد کلان‌شهرها در سواحل دریاها یا نزدیکی سواحل مستقر هستند. همچنین هشت شهر از شهرهای پرجمعیت جهان (توکیو، شانگهای، بمبئی، نیویورک، جاکارتا، قاهره، ریودنایرو...) در کنار آنها هستند و نوار ساحلی اروپا ۲۰۵ میلیون نفر جمعیت را به خود جذب کرده‌است، اما متأسفانه در ایران، استان‌های ساحلی در شمال و جنوب کشور یا ۵هزار کیلومتر نوار ساحلی تنها ۳ درصد جمعیت کشور را به خود جذب کرده، در حالی که باید بیش از هشت تا ۱۰ درصد از جمعیت کشور آنجا سکونت داشته‌باشند. حکمرانی در ایران بر مبنای فعالیت‌های زمین محور بوده و این امر با توجه به اقلیم کشور به ما آسیب زده و خواهد زد، بنابراین باید به سمت دریامحور شدن حرکت کنیم و از مرکز کشور به سمت کرانه‌ها و پس‌کرانه‌ها در شمال و به‌ویژه به سمت جنوب کشور حرکت کنیم. تاکید مقام‌معمول رهبری در آبان ماه ۱۴۰۲ بر اقتصاد دریامحور و ابلاغ سیاست‌های کلی آن نیز بر مبنای درک همین موضوع بوده‌است که کشوری همچون ایران باید از سمت فلات مرکزی ایران به سمت سواحل حرکت کرده و سرمایه‌گذاری در جنوب کشور و به‌ویژه جزایر جنوبی را گسترش دهد.

این واقعیت انکارناپذیری است که اقتصاد دریامحور یکی از مهم‌ترین رویکردهای توسعه در جهان امروز است. بسیاری از کشورها با استفاده از ظرفیت‌های گسترده دریاها و سواحل، توانسته‌اند مسیر رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی خود را متحول کنند. ایران نیز با داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی، سواحل طولانی در جنوب و شمال کشور و دسترسی به آب‌های آزاد، پتانسیل بالایی برای توسعه اقتصاد دریامحور دارد. بررسی مزایا و آثار این نوع اقتصاد می‌تواند مسیر آینده توسعه کشور را روشن‌تر کند.

یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران که در تلاش است از آن رهایی یابد، وابستگی شدید به صادرات نفت و گاز است. توسعه اقتصاد دریامحور می‌تواند این وابستگی را کاهش دهد و زمینه تنوع اقتصادی را فراهم کند. فعالیت‌هایی مانند شیلات، پرورش آبزیان، حمل‌ونقل، صنایع کشتی‌سازی و استخراج منابع دریایی، به‌ویژه گردشگری و جاذبه‌های گردشگری موجود در سواحل و جزایر جنوبی ایران می‌توانند جایگزین‌های مناسبی برای درآمدهای نفتی باشند.

بخش دریامحور ظرفیت زیادی برای ایجاد شغل در حوزه‌های مختلف دارد. از صیادی و فراوری محصولات دریایی گرفته تا خدمات بندری، حمل‌ونقل بین‌المللی، گردشگری ساحلی و صنایع وابسته. فرصت‌های شغلی فراوانی در این حوزه وجود دارد. توسعه این فعالیت‌ها به‌ویژه می‌تواند موجب رونق اقتصادی در استان‌های ساحلی مانند هرمزگان، بوشهر، سیستان و بلوچستان و مازندران باشد.

اگرچه تحریم‌ها ضربه مهمی به نقش ایران در اتصال کریدورهای جهانی زده‌است اما نمی‌توان انکار کرد که ایران در مسیر یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجارت جهانی قرار دارد. با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بندری و دریایی، ایران می‌تواند نقش کلیدی‌تری در ترانزیت کالا بین شرق و غرب ایفا کند. بندر استراتژیکی چون چابهار، بندرعباس و انزلی، در صورت توسعه و مدیریت کارآمد، می‌توانند به مراکز بزرگ تجاری منطقه تبدیل شوند و جایگاه ایران را در تجارت جهانی ارتقا دهند. در حال حاضر بندر ایران بیش از ۵۰ همت (۵۰ هزار میلیارد تومان) سرمایه‌گذاری نیاز دارند تا به یک رشد قابل‌قبول برسند. اقتصاد دریامحور موجب آبادانی و رشد مناطق ساحلی می‌شود. ایجاد صنایع، بندر، شهرک‌های صنعتی و مراکز گردشگری در سواحل، می‌تواند به بهبود سطح زندگی مردم محلی کمک کرده و از مهاجرت به شهرهای بزرگ جلوگیری کند. این مسأله همچنین باعث توزیع متداول‌تر جمعیت و منابع در کشور خواهد شد.

توسعه گردشگری و تأسیس هتل‌های لوکس پنج‌ستاره اگرچه نیاز به سرمایه‌گذاری‌های هنگفت دارد اما می‌تواند موجب اشتغال پایدار در مناطق جنوبی کشور شود، چراکه اشتغال ایجاد شده برای هتل‌ها با هدف ترکیبی (تجاری، مسکونی و هتل) اشتغال پایدار بوده و هر هتل با ظرفیت حدودی ۱۵۰ نفر حدود ۵۰۰ شغل پایدار ایجاد می‌کند. بارها گفته و نوشته‌ام که مرز امن، مرز آباد است. توسعه اقتصادی در مناطق ساحلی اولویت‌مندی، پیامدهای امنیتی مهمی نیز دارد. حضور فعال اقتصادی و انسانی در سواحل جنوبی و شمالی، موجب افزایش کنترل و حفاظت از مرزهای آبی می‌شود. این امر توان دفاعی و ژئواستراتژیکی کشور را تقویت کرده و حضور ایران را در آب‌های بین‌المللی تثبیت می‌کند. بنابراین اقتصاد دریامحور و توجه به گسترش و رشد جمعیتی در کناره سواحل به‌ویژه سواحل جنوبی و جزایر ایرانی، برای کشوری مانند ایران نه تنها یک فرصت، بلکه ضرورتی استراتژیکی است.

استفاده از ظرفیت‌های دریایی می‌تواند موجب تنوع اقتصادی، رفع نگرانی از بحران کم‌آبی و کم‌بارشی، افزایش اشتغال، توسعه مناطق محروم، ارتقای جایگاه بین‌المللی و تقویت امنیت ملی شود. تحقق این هدف نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش نیروی انسانی متخصص و همکاری میان بخش‌های دولتی و بخش خصوصی به‌ویژه توسعه‌گران است.

در صورت توجه جدی به این حوزه، اقتصاد دریامحور می‌تواند به یکی از موتورهای اصلی رشد پایدار ایران در آینده نچندان دور تبدیل شود.

### ۹ میلیارد دلار در مسیر بی‌بازده خودرو

نگاهی به شاخص اصلی صنعت خودروی کشور بیانگر این واقعیت است که وابستگی شدید به واردات قطعات و فناوری...

صفحه ۲

### تشکیک در آمار تورسیم

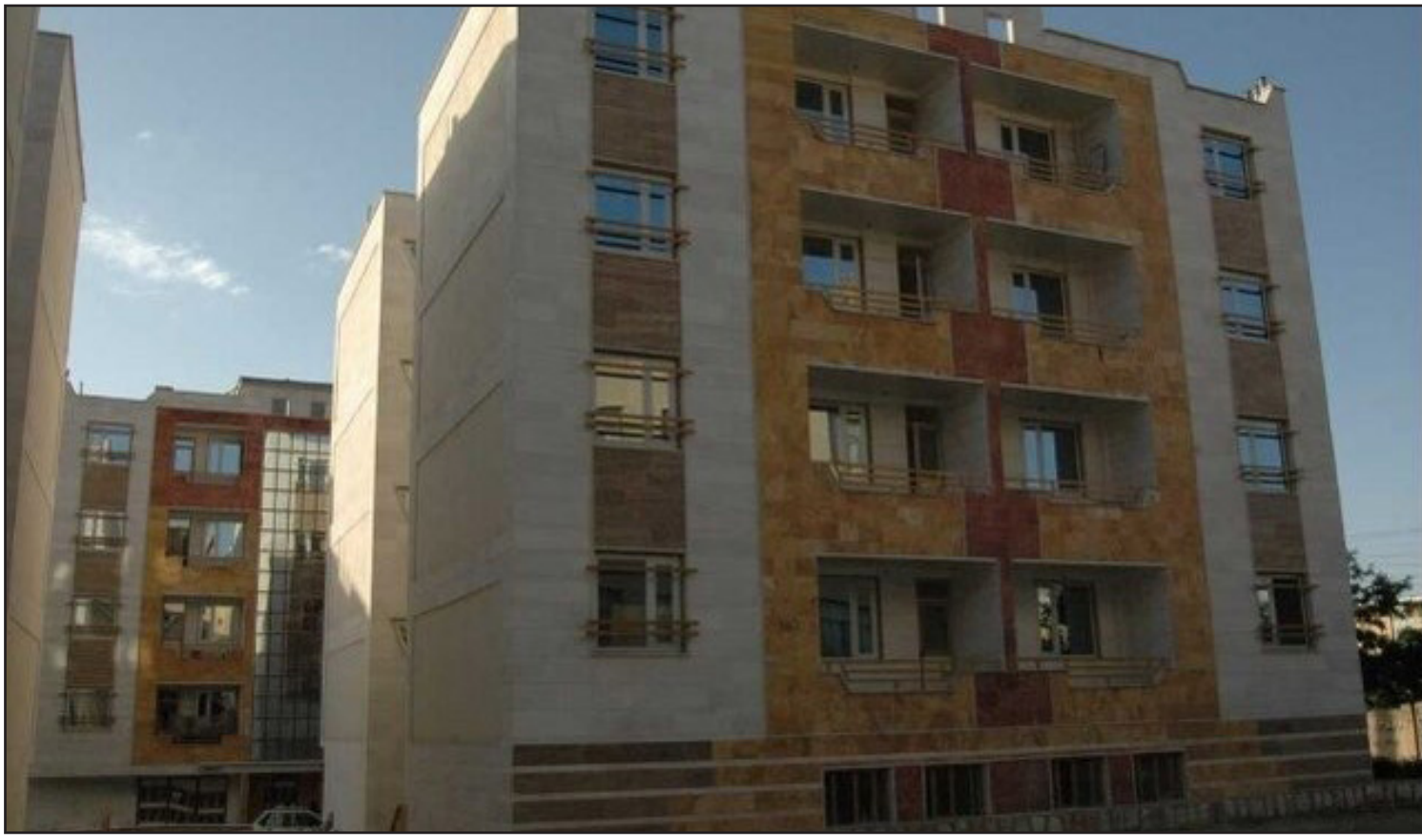
ارشک مسائلی، کارشناس گردشگری، در گفت‌وگو با اشاره به ضعف نظام آماری و حساب‌های اقماری گردشگری...

صفحه ۴

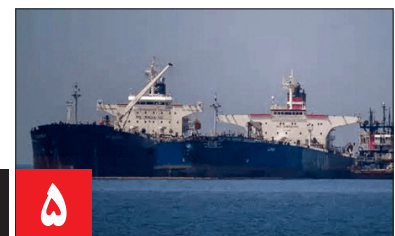
### اما و اگرهای خصوصی سازی گمرک

«طرحی برای ساماندهی و اصلاح گمرکات کشور تهیه شده که یکی از محورهای اصلی این ساماندهی...»

صفحه ۶



### نوسان در مرز ۳.۲ میلیون واحد



### بازارهای تازه برای نفت ایران



### کارنامه ۲۴۳ روزه

صفحه ۷

## پرواز تاریخی تورم مسکن

کریم حسن پور - بازار مسکن در ماه میانی زمستان، شدیدترین رشد قیمت، دست‌کم از سال ۹۱ به بعد را تجربه کرد. شاخص «قیمت پیشنهادی» که میانگین قیمت درج‌شده در فایل‌های آپارتمانی در نوبت فروش در تهران را سنجش می‌کند.

احتیاط بیشتری عمل می‌کند. بازدهی مسکن در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ نسبت به بازارهایی مانند ارز، طلا، سکه و سهام در سطح پایین‌تری قرار داشت و جهش اخیر می‌تواند بمنظور تلاش برای جبران این فاصله باشد.

در این میان، پرسشی کلیدی مطرح می‌شود؛ اینکه آیا فتر فشرده قیمت و معاملات مسکن سرانجام آزاد شده‌است؟ طی سال ۱۴۰۳، رشد قیمت مسکن حدود ۱۷ درصد بود، اما در یک ماه اخیر (در بهمن ماه)، رشد نزدیک به ۱۶ درصدی رخ داد که نشان‌دهنده افزایش ناگهانی سرعت رشد قیمت‌ها تا ۱۲ برابر است. به بیان دیگر، شتاب رشد قیمت مسکن در این ماه به‌طور کم‌سابقه‌ای افزایش یافته‌است، از این‌رو این پرسش مطرح می‌شود که آیا عقیم‌اندگی بازار مسکن از سایر بازارها با جهش تاریخی بهمن جبران شده‌است؟ پاسخ به این سوال دو جهت متفاوت دارد. از یکسو، نشانه‌های آزاد شدن فتر معاملات در دی‌ماه تا اوایل بهمن قابل‌مشاهده بود، با این‌حال در هفته‌های پایانی بهمن، از شدت عطش خرید و سرعت معاملات کاسته شده، موضوعی که بخشی از آن می‌تواند ناشی از افزایش ریسک‌های سیاسی و احتمال بروز تنش‌های منطقه‌ای باشد. در عین‌حال، بخشی از تقاضای خرید نیز به تقاضای فصلی شمع‌بید مربوط است که به گفته فعالان بازار، حداکثر تا نیمه اسفند ادامه خواهد داشت و پس از آن احتمال افت معاملات وجود دارد. سوی دیگر، این پاسخ می‌تواند منفی نیز باشد؛ چراکه بازار مسکن همچنان در افق بازدهی بازده‌ماهه امسال از بسیاری از بازارهای دارای عقب‌تر است. در این مدت، بازدهی مسکن حدود ۲۴ درصد بوده، در حالی که دلار حدود ۶۶ درصد، سکه بیش از ۱۰۰ درصد و طلا بیش از ۱۳۰ درصد رشد کرده‌اند. بازدهی بورس نیز ۴۱ درصد بود.

**سناریوی مسکن در اسفند**  
بررسی‌های «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد، بازار مسکن پایتخت، اکنون نسبت به تئوپات ماه نخست زمستان فاصله گرفته و مسیر آبی آن به تحولات سیاسی وابسته است. در صورت تلاوم وضعیت سیاسی فعلی، احتمال تلاوم رشد قیمت در سال آینده وجود دارد، اما بروز تنش‌های جدی می‌تواند شرایط را تغییر دهد. برخی عرضه‌کنندگان نیز با پیش‌بینی افزایش قیمت، رویکرد «هسبر معاملاتی» را اتخاذ کرده‌اند. در حال حاضر، عمده خریداران از گروه مصرفی و تبدیل‌یاب‌حس هستند، اگرچه سرمایه‌گذاران نیز حضور دارند، اما عمدتاً بدنبال خرید فایل‌های زیرقیمت بوده و با جهش اخیر، ورود به بازار را محتاطانه ارزیابی می‌کنند. به‌نظر می‌رسد بازار کشتش فعالیت بیشتر تا پایان سال ندارد. نگرانی‌ها درباره احتمال جنگ بازرگشت محدودیت‌هایی نظیر قطعی اینترنت، تعطیلی دفاتر و اختلال در فعالیت سایت‌ها باعث‌شده بسیاری از فروشندگان و خریداران فعلاً از انجام معامله خودداری کنند. در حال حاضر، معاملات با شتاب و در بازه زمانی محدود انجام می‌شود و پیش‌بینی می‌شود حداکثر ۱۰ تا ۱۵ اسفند به پایان برسد. ادامه فعالیت بازار نیز احتمالاً از اردیبهشت سال آینده و در صورت بازگشت ثبات آغاز خواهد شد.

سال ۱۴۰۴ با سایه جنگ شروع شد، تحت‌شرایط جنگی از نیمه گذشت و اکنون برای هشتمین ماه پیایی در وضعیت «نه جنگ، نه صلح» قرار دارد. بخش مسکن و ساختمان در مواجهه با این «ریسک سیاسی حساسی پیامدهای اقتصادی» دو وضعیت کاملاً متفاوت از هم پیدا کرد که نتیجه‌اش، اکنون یکسویه‌بودنش درباره «بازار بازار از بابت ادامه رکود یا خروج از آن» را به‌وجود آورده‌است. «دنیای اقتصاد» برای تحلیل وضعیت کنونی این بخش و همچنین سناریوهای سال آینده مسکن و ساختمان، یک نظرسنجی از ۱۸ صاحب‌منظر و فعال بازارهای معاملات ملک و سرمایه‌گذاری ساختمانی انجام داد. خلاصه نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد، تحرکات دو ماه اخیر از سمت تقاضای خرید مسکن که باعث «رشد تند» قیمت‌ها هم شد، ناشی از ۴ علت بوده‌است.

شرکت‌کننده در این بررسی، در عین‌حال، به یکسوال کلیدی درباره اینکه «چرا در شرایطی که «سایه جنگ» به‌خاطر وضعیت آتش‌ریس و تهدیدهای لفظی آمریکا از بین نرفته، بازار مسکن برخلاف تابستان و پاییز به مقصد اصلی سرمایه‌ها تبدیل شده‌است؟» نیز پاسخ دادند. از نگاه این تحلیل‌گران، بخش مسکن و ساختمان دست‌کم به ۲ علت، همچنان در رکود است هرچند شدت آن تا حدودی کاهش یافته اما گذار از آن، نیازمند تعیین‌تکلیف «ریسک جنگ» است. سناریوهای مسکن و ساختمان در ۱۴۰۵ نیز در این نظرسنجی تصویر شده که برحسب «دامه همین وضعیت»، «جنگ احتمالی» یا دستیابی به «توافق بین ایران و آمریکا»، قابل‌بررسی است. برآیند پاسخ‌هایی که این ۱۸ کارشناس درباره «چشم‌انداز قیمت مسکن» ارائه کردند، نشان می‌دهد، قیمت اسمی واحدهای مسکونی دست‌کم در شهر تهران به رشد مثبت خود ادامه می‌دهد اما «وقوع جنگ» می‌تواند به این مسیر ترمز وارد کند.

در دی‌ماه با افزایش محسوس خرید همراه شد و این روند در بهمن نیز ادامه یافت، با این‌حال در بهمن‌ماه حجم تقاضا نسبت به دی‌ماه افزایش قابل‌توجهی نداشت و تنها در مقایسه با ماه‌های پیش از آن در سطح بالاتری قرار گرفت.

در سمت مقابل، اما فروشنده‌ها با دریافت سیگنال‌هایی از ورود تقاضای جدید، جاماندگی قیمتی بازار ملک و تشدید «انتظارات تورمی»، رفتار محتاطانه در پیش گرفتند و در نتیجه بخشی از فایل‌های فروش از بازار خارج شدند. کاهش محسوس فایل‌های فروش نسبت به دی‌ماه و حتی اوایل بهمن، باعث شد تقابل‌میان رشد تقاضا و افت عرضه به شکل جهش قیمت‌ها منعکس شود، در نتیجه سطح میانگین قیمت نسبت به ماه قبل که حدود ۱۵ میلیون تومان در هر مترمربع بود، بیش از ۱۵ میلیون تومان افزایش یافت؛ جهشی که هم از نظر میزان رشد و هم از نظر افزایش‌ریالی، بی‌سابقه ارزیابی می‌شود.

هیجان خرید در بازار مسکن در بهمن‌ماه به اوج رسید، اما در روزهای اخیر از شدت آن کاسته شده و برخی واسطه‌های ملکی معتقدند این موج رو به پایان است. به گفته فعالان بازار مسکن تهران، در حال حاضر، قیمت‌ها همچنان روند افزایشی دارند، اما در بسیاری از موارد، قیمت‌های پیشنهادی با ارزش واقعی املاک همخوانی ندارد و بالاتر از سطح تعادلی تعیین می‌شود. برخی واسطه‌ها از تغییر روزانه قیمت‌ها خبر می‌دهند؛ به‌طوری‌که در نمونه‌هایی، طی کمتر از یک هفته حدود یک‌میلیارد تومان به قیمت برخی آپارتمان‌ها با ارزش حدود ۴میلیارد تومان افزوده شده‌است. بخش قابل‌توجهی از قیمت‌های پیشنهادی نیز در سطح «انتظارات قیمتی سال آینده» تنظیم می‌شود. در سمت عرضه، فروشنده‌ها و عرضه‌کنندگان با کاهش چشمگیری مواجه شده‌اند. نخستین عامل، نااطمینانی و نوسان بازار است که موجب‌شده فروشنده‌ها فاقد نیاز فوری، عرضه را به تعویق می‌اندازند. عامل دوم، رشد هزینه‌های تولید مسکن شامل مصالح، دستمزد و کمبود نیروی کار است. برخی فعالان بازار معتقدند با توجه به رشد بازار ارز و طلا، قیمت مسکن هنوز به سطح متناسب نرسیده و در حال جبران عقب‌ماندگی است. در این میان، بخش مهمی از خریداران، دارایی‌های خود را از بازار طلا به مسکن تبدیل می‌کنند.

در واقع، افزایش قیمت طلا و ارز باعث‌شده سطح بودجه‌خرد برخی متقاضیان تا ۵میلیارد تومان و حتی بیشتر تقویت شود، اما در مقابل، توان خرید بخش بزرگی از متقاضیان نسبت به قیمت‌های فعلی کاهش یافته‌است. این موضوع اگرچه بیشتر در معاملات واحدهای بالای ۱۰میلیارد تومان مشاهده می‌شود، اما در سطوح مصرفی پایین‌تر نیز قابل‌تعمیم است. در حال حاضر، خریدارانی که امکان پرداخت بخشی از مبلغ معامله با طلا را دارند، سهم بیشتری در معاملات دارند. کاهش عرضه همچنین به افت ساخت‌وساز در یکسال گذشته نسبت داده می‌شود. نبود تقاضای موثر و جهش هزینه‌ها موجب کاهش فعالیت‌های ساختمانی و کاهش فایل‌های نوساز شده‌است، در نتیجه فروشنده‌ها واحدهای باکیفیت عملاً از بازار خارج شده‌اند و سهم فایل‌های قدیمی یا «فاقد برخی امکانات» افزایش یافته‌است.

### دو جهت مخالف در معاملات مسکن

ریشه این تحولات را باید در انتظارات تورمی و جاماندگی قیمت مسکن از مسیر رشد سایر بازارها طی حدود یکسال‌ونیم گذشته جست‌وجو کرد. این وضعیت هم بر رفتار خریداران و هم بر عرضه‌کنندگان اثر گذاشته‌است؛ به‌گونه‌ای که تقاضا با انگیزه جبران عقیم‌اندگی وارد بازار شده و عرضه با

در بهمن به ۱۳۳ میلیون تومان در مترمربع رسید. این سطح قیمت ۱۵۶ درصد نسبت به دی افزایش یافته که «للاترین تورم ماهانه ملکی» از زمان انتشار قیمت ماهانه مسکن محسوب می‌شود. بررسی‌های «دنیای اقتصاد» درباره این جهش تاریخی نشان می‌دهد، ترکیب از شرایط همچون «انتظارات تورمی» در جامعه و «جاماندگی ۱۸ ماهه بازدهی ملک از سایر دارایی‌ها» باعث شده به‌رغم ورود خریدار به صحنه، خروج فروشنده از میز معاملات اتفاق بیفتد که نتیجه‌اش، جهش پر قدرت قیمت مسکن بود. در این میان، بازیگران بیشتری از بازارهای رقیب، قدرت تبدیل دارایی را پیدا کرده‌اند. این تنور گرم معاملاتی بازار مسکن، اما با فضای نامطمئن اقتصادی، سازگاری ندارد؛ چرا بازار ملک زیرسایه جنگ احتمالی، برخلاف ماه‌های قبل، مقصد خریداران شده‌است؛ ۱۸ صاحب‌منظر مسکن و ساختمان فعالان ساخت‌وساز در نظرسنجی «دنیای اقتصاد» به این پرسش پاسخ دادند و هم‌زمان «چشم‌انداز» این بخش را در سه سناریوی متناثر از «ریسک جنگ» برآورد کردند.

صدیقه ژان‌فران: بازار مسکن در ماه میانی زمستان، شدیدترین رشد قیمت، دست‌کم از سال ۹۱ به بعد را تجربه کرد. شاخص «قیمت پیشنهادی» که میانگین قیمت درج‌شده در فایل‌های آپارتمانی در نوبت فروش در تهران را سنجش می‌کند، در بهمن به ۱۳۳ میلیون تومان در مترمربع رسید. این سطح قیمت ۱۵۶ درصد نسبت به دی افزایش یافته که «للاترین تورم ماهانه ملکی» از زمان انتشار قیمت ماهانه مسکن محسوب می‌شود. بررسی‌های «دنیای اقتصاد» درباره این جهش تاریخی نشان می‌دهد، ترکیب از شرایط همچون «انتظارات تورمی» در جامعه و «جاماندگی ۱۸ ماهه بازدهی ملک از سایر دارایی‌ها» باعث شده به‌رغم ورود خریدار به صحنه، خروج فروشنده از میز معاملات اتفاق بیفتد که نتیجه‌اش، جهش پر قدرت قیمت مسکن بود. در این میان، بازیگران بیشتری از بازارهای رقیب، قدرت تبدیل دارایی را پیدا کرده‌اند. این تنور گرم معاملاتی بازار مسکن، اما با فضای نامطمئن اقتصادی، سازگاری ندارد؛ چرا بازار ملک زیرسایه جنگ احتمالی، برخلاف ماه‌های قبل، مقصد خریداران شده‌است؛ ۱۸ صاحب‌منظر مسکن و ساختمان از جمله فعالان ساخت‌وساز در نظرسنجی «دنیای اقتصاد» به این پرسش پاسخ دادند و هم‌زمان «چشم‌انداز» این بخش را در سه سناریوی متناثر از «ریسک جنگ» برآورد کردند.

تورم مسکن تهران در بهمن رکورد زد و به سطح تاریخی در بازه ۳۰روزه رسید. براساس داده‌های شاخص مسکن «دنیای اقتصاد»، میانگین قیمت پیشنهادی واحدهای مسکونی در مناطق ۲۲گانه تهران در این ماه به ۱۳۳ میلیون تومان در هر مترمربع رسید؛ در حالی که این رقم دی ماه امسال ۱۵ میلیون تومان و در بهمن سال گذشته ۹۴ میلیون تومان بود. بر این اساس، تورم نقطه‌ای قیمت پایتخت به حدود ۴۱ درصد رسیده‌است، اما پرواز تاریخی تورم مسکن در نرخ که در «نرخ ماهانه» خود را نشان داده‌است. تورم ماهانه مسکن در بهمن به ۱۵۶ درصد رسیده، رقمی که دست‌کم از سال ۹۱، زمان اعلام رسمی میانگین قیمت مسکن از سوی دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی و پس از آن مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، سابقه نداشته‌است، با این‌حال این جهش بی‌سابقه قیمتی در یک ماه گذشته، صرفاً ناشی از جهش هم‌زمان حجم خرید مسکن نبوده‌است.

نشان می‌دهد تورم ماهانه بی‌سابقه مسکن در بهمن، بیش از آنکه حاصل رشد شدید معاملات خرید باشد، ناشی از «قابل‌رفتار عرضه و تقاضا» بوده‌است. یخ معاملات که از پاییز به‌تدریج در حال یازدن بود،

<b>▼ طرح گازسوزی خودروها در آزمون استقبال عمومی</b>
<div><div><div><div><div><span></span></div><div>شرکت ملی پخش فرآوردههای نفتی ایران در اطلاعیهای از آغاز طرح تبدیل رایگان خودروهای شخصی مدل ۹۴ و بالاتر خبر داد؛ یعنی خودروهایی با ۱۰سال کارکرد حالا می‌توانند به‌طور رایگان گازسوز شوند. خودروهایی که حالا گام‌به‌گام به فرسودگی نزدیکتر می‌شوند. به‌نظر می‌رسد که دولت در اجرای طرح‌های تشویقی برای گازسوزکردن خودرو یک گام جلوتر رفته‌است. اول شهریور ماه امسال مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران از آغاز ثبت‌نام تبدیل رایگان خودروهای شخصی بنزین-سوز به دوگانه‌سوز با مدل ۹۷ به بالا خبر داده بود. اما در طرح جدید خودروهای بالای مدل ۹۴ در نظر گرفته‌شدند</div></div></div><div><div><div><span></span></div><div>که خودروهای بیشتری را شامل می‌شود. در این مورد می‌توان دو سناریو را مطرح کرد؛ یا طرح قبلی موفق بوده و دولت حالا می‌خواهد محصولات بیشتری را گازسوز کند و یا استقبال کافی از طرح قبلی انجام‌نشده و حالا سیاستگذار سعی کرده با بزرگ‌ترکردن بازه شمول طرح، خودروهای بیشتری را جذب کند. تحلیل روند‌ها نشان می‌دهد که احتمال سناریوی دوم بیشتر است. برای قضاوت بهتر در این موضوع بهتر است معایب و مزایای دوگانه سوزکردن برای صاحبان این خودروها بررسی کنیم تا ببینیم آیا گازسوزکردن رایگان خودروها انگیزه کافی را برای صاحبان آنها ایجاد می‌کند یا خیر.</div></div></div></div></div>

در نگاه اول بزرگ‌ترین مزیتی که برای آنها می‌توان متصور شد استفاده از سوخت ارزان‌تر است. هر مترمکعب گاز CNG اکنون به قیمت ۵۷۰تومان فروخته می‌شود، قیمت بنزین سهمیه‌ای نیز به هزار و ۵۰۰تومان و بنزین غیرسهمیه‌ای به سه‌هزار تومان می‌رسد. گرچه از نظر درصد اختلاف، شکاف قابل‌توجهی دیده می‌شود اما در نهایت اختلاف قیمت آنها به هر لیتر هزار یا دوهزار و ۴۰۰تومان (سهمیه آزاد) می‌رسد که اساس هزینه قابل‌توجهی به‌نظر نمی‌رسد، در واقع قیمت بنزین در ایران به دلیل یارانه سنگینی که به آن تعلق می‌گیرد، بسیار پایین است و بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند که به‌جای گازسوزکردن خودرو و آسیب به آن از بنزین یارانه‌ای استفاده کنند. بنابراین تفاوت قیمت بین بنزین و گاز وجود دارد اما به‌قدری نیست که انگیزه زیادی برای افراد در راستای گازسوزکردن خودروی خود بدهد. اما در گازسوزکردن خودرو، مهم‌ترین ایرادی که بسیاری از مالکان تجربه کرده‌اند، کاهش فضای مفید خودرو است. نصب کیسول گاز در صندوق عقب، به‌ویژه در خودروهای سوزی کوچک‌تر بخش قابل‌توجهی از فضای بار را اشغال می‌کند. برای خانواده‌هایی که از خودرو در سفرهای جاده‌ای استفاده می‌کنند، این موضوع یک مشکل جدی است و عملاً بخشی از کارکرد اصلی خودرو را از بین می‌برد. از سوی دیگر، سیستم دوگانه‌سوز معمولاً باعث افت محسوس توان موتور می‌شود. موتورهایی که برای مصرف بنزین طراحی شده‌اند، هنگام استفاده از گاز طبیعی دچار کاهش شتاب و کشش می‌شوند. برخی رانندگان حتی پس از مدتی استفاده، ترجیح می‌دهند مجدداً از بنزین استفاده کنند، چون عملکرد خودرو با گاز رضایت‌بخش نیست.

محدودیت بعدی، کمبود ایستگاه‌های CNG در سطح شهرها و جاه‌هاست. با وجود گذشت بیش از دو دهه از آغاز طرح گازسوزی در ایران، هنوز زیرساخت سوخت‌رسانی متناسب با رشد تعداد خودروهای گازسوز توسعه نیافته‌است. در بسیاری از شهرها، تعداد ایستگاه‌انگشت‌شمار است و فضای طولانی به‌ویژه در ساعات اوج تردد دیده می‌شود. همین مشکل موجب می‌شود رانندگان برای پرکردن کیسول وقت زیادی را صرف کنند. درحالی‌که بنزین تقریباً در نقطه‌ای براحتی در دسترس است. از نظر گرفتن مجموع این عوامل می‌توان گفت که تفاوت قیمت چندان کار کردی برای رشد انگیزه افراد برای گازسوزکردن خودرو ندارد.

<b>▼ مدت گارانتی خودرو تغییر کرد</b>
<div><div><div><div><div><span></span></div><div>پس از چند هفته توقف در ترخیص قطعات منفصله خودرو از گمرکات کشور، سرانجام گمرک با صدور بخشنامه‌ای تازه، اجازه ترخیص موقت این قطعات را صادر کرد. بر اساس این بخش‌نامه که از سوی معاون فنی گمرک به قطعات منفصله مربوط به فصل ۹۸ با اخذ تعهدنامه از صاحبان کالا به مدت دو ماه مجاز واردکنندگان قطعات باید تعهد دهند در صورت هر گونه تغییر احتمالی در ارزش کالا یا مغایرت در محموله، مسوولیت آن را پذیرفته و مدارک لازم را در مهلت مقرر به کارگروه موضوع تبصره ۶ قانون خودرو ارسال کنند. تا نسبت به صدور شناسه ارزش اقدام شود.بر اساس این ابلاغیه، ارزش نهایی تعیین‌شده توسط کارگروه مذکور، ملاک عمل گمرک در محاسبه حقوق ورودی و رفع تعهدات بانکی خواهد بود.تصمیم جدید گمرک در شرایطی اتخاذشده که چندی پیش وزارت صنعت، معدن و تجارت در نامه‌ای رسمی به گمرک اعلام کرده‌بود؛ در ترخیص قطعات منفصله خودرو به‌دلیل نبود شناسه معتبر در بانک اطلاعاتی موسوم به TCS متوقف شده‌است.این بانک اطلاعاتی، یکی از سامانه‌های کنترلی گمرک به‌شمار می‌رود که وظیفه آن تعیین ارزش یا پایه ایگانه‌های وارداتی از جمله قطعات خودرو بر اساس کد تعرفه و داده‌های ثبت‌شده است.در واقع گمرک از طریق این سامانه صحت ارزش‌گذاری اعلام‌شده توسط واردکنندگان را بررسی کرده و از کم‌اظهاری یا بیش‌اظهاری جلوگیری می‌کند.</div></div></div></div></div>



# ۹ میلیارد دلار در مسیر بی‌بازده خودرو

**◀** مریم لطفی –به گفته یکی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، صنعت خودروی ایران سالانه حدود ۹میلیارد دلار تراز تجاری منفی دارد؛ به این معنا که ارزش واردات خودرو و قطعات چندین برابر صادرات آن است. این مقام تأکید می‌کند؛ ادامه چنین وضعیتی برای اقتصاد کشور ممکن نیست، چرا که صنعت خودرو به‌جای آنکه موتور ارز آوری و رشد تولید باشد، به یکی از بزرگ‌ترین کانال‌های خروج ارز از کشور تبدیل شده‌است.

را با کارشناسان، اساتید دانشگاه و فعال اقتصادی عضو اتاق بازرگانی ایران مطرح کردیم؛ مبنی بر اینکه تراز تجاری منفی چه تأثیری بر صنعت خودرو و اقتصاد ایران داشته‌است و دیگر اینکه ادامه وضعیت کنونی چه پیامدهای منفی به بار خواهد آورد؟

#### اثر تراز تجاری منفی بر رفاه

از آنجا که کیفیت خودروهای داخلی در سطحی نیست که بتواند با غول‌های بزرگ خودروسازی جهان رقابت کند، عملاً ظرفیت قابل‌توجهی برای توسعه صادرات در این بخش وجود ندارد. در سال‌های گذشته، صادرات محدودی به کشورهایی همچون سوریه انجام می‌شد، اما همان بازارهای محدود نیز به تدریج از دست رفتند. تا زمانی که روابط خارجی کشور به همین وضعیت ادامه یابد، چشم‌انداز روشنی برای بازگشت به بازارهای صادراتی قابل‌تصور نیست. این شرایط در نهایت خود را به‌صورت کاهش سطح رفاه عمومی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد. هرچند خودرو در تعریف اقتصادی، کالایی کاملاً ضروری محسوب نمی‌شود، اما نقشی مستقیم و غیرقابل‌انکار در رفاه خانوارها دارد. زمانی که تراز تجاری صنعت خودرو منفی می‌شود، به‌معنای افزایش مصرف ارز است، در حالی‌که این صنعت توان تأمین ارز موردنیاز خود را ندارد، در نتیجه این کسری ارزی باید از محل سایر بخش‌های اقتصادی جبران شود، اما با توجه به چالش‌های موجود در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی، این امکان نیز محدود است.

در پاسخ به این سوال که تلاوم این روند چه تبعاتی برای صنعت خودرو دارد، باید گفت؛ تلاوم چنین وضعیتی پیامدهای اقتصادی سنگینی در پی خواهد داشت. نخست، افزایش نرخ نیشمان به‌دلیل سهم بالای صنعت خودرو در اشتغال کشور و دوم، کاهش عرضه خودرو در بازار که منجر به رشد قیمت‌ها و دشوارتر شدن دسترسی خانوارها به خودرو می‌شود. به بیان دیگر، افت تولید نغین‌ها صنعت خودرو را تضعیف می‌کند، بلکه مستقیماً به معیشت مردم و ثبات اقتصادی کشور آسیب می‌زند.

#### چرا فرصت طلایی صادرات از دست رفت؟

صنعت خودرو یکی از بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران است که سهمی قابل‌توجه در



## خودروی هیبریدی چینی رکورد گینس را شکست

۴دهه مدیریت ۲ پاره در «تهران بزرگ» یا همان مجموعه شهری تهران، سریال «بحران‌های زیستی در پایتخت» را وارد قسمت «نعوای عیان دولت و شهرداری» کرده، دولت بر سر «زمین‌های حریم شهر تهران» است به‌طوری‌که هر دو برای «تصاحب اختیار تعیین‌کناری اراضی حریم» به قانون استناد می‌کنند اما دو قانون متضاد از هم، در نتیجه هیچ‌کدام آن نانون‌تواسته دیگری را از زمین خارج کند.

هفته گذشته دعوی پنهانی مزمن بین استانداری تهران و شهرداری تهران برای کنترل فرمان «حریم شهر تهران» با دو مصاحبه مقامات ارشد این دو نهاد، یکی در تلویزیون و دیگری در صحن شورای شهر، «عمومی» شد و بالا گرفت. همزمان، معاون شهرسازی و معماری شهردار هم تغییر کرد و این اتفاق که می‌تواند «اصل ماجرای دولت شهر تهران» را منحرف کند، توسط برخی ناظران در قالب «پایان اختلافات» القا شد، در حالی‌که ریشه این اختلاف به «قدرت سیاسی نهفته در ارزش اقتصادی زمین‌های حریم» و البته «تضاد آشکار روح دو قانون مرتبط با حریم» برمی‌گردد که اگر خشک نشوند، طرفین دعوا برای مدتی «آتش‌بس» می‌کنند و دوباره «شروع»

##### «حریم» شهر تهران کجاست؟

شهر تهران با همان محدوده‌حالی ۲۲منطقه شهری، حدود ۶۰۰کیلومتر مساحت دارد و هر آنچه در اطراف پایتخت (همین شهر) به وسعت حدود ۱۱برابر شهر تهران، به شکل «تعدادی شهرستان با دربرگیری حداقل ۱۰ شهر و ۲۰ روستا» قرار گرفته، «حریم تهران» محسوب می‌شود. حریم تهران در حال حاضر نزدیک به ۵۹۰۰ کیلومترمربع مساحت دارد، در کل مساحت کل استان تهران ۱۲هزار و ۸۰۰کیلومترمربع است و در کل، ۱۶ شهرستان و بدون احتساب شهر تهران، ۴۸ شهر و ۷۳ روستا در این استان جای گرفته‌اند که در ۳۰ شهر از آنها در حریم شهر تهران است. مقایسه ارقام مساحت «حریم تهران» و «استان تهران» در کنار تعداد زیادی شهر در استان، نشان می‌دهد: همپوشانی گسترده در عین حال «بیچید» فیزیکی بین یکسری شهرهای ایران، اطراف شهر تهران و حریم شهر تهران وجود دارد و این یعنی «تداخل در حوزه عمل شهرداری‌ها»

##### اختیار «حریم» تهران یا کیست؟



و پیش‌رفت. نتیجه آن شده که امروزه تحت‌تأثیر احداث نزدیک به ۵۰ شهر قدیم و جدید واقع در حومه تهران، «جمعیت روز پایتخت» به میزان ۵۰درصدمجمیت شب، افزایش پیدا کرده‌است.

از طرف دیگر، به موازات قانون تقسیمات کشوری که متولی حریم تهران را «استانداری» می‌شناسد، سال۸۴قانون دیگری تحت‌عنوان «قانون تعاریف محدوده و حریم شهر و روستا» تصویب شد که روح قانون دوم، برخلاف قانون اول، «اختیار نظارت و عمل بر حریم تهران» را به شهرداری تهران واگذار می‌کند. براساس این قانون، «قسمتی از زمین‌های حریم تهران واقع در داخل شهرستان تهران» صرفاً برای «توسعه آتی پایتخت» باید حفظ شود و هر نوع ساختوساز در حریم باید با نظارت شهرداری تهران باشد. نظارت بر ساختوساز می‌تواند به‌معنای آن باشد که «مرجع صدور پروانه برای زمین‌طربا با حریم در دهه ۸۰، شهرهایی که در حریم تهران شکل‌گرفته صدور پروانه به صراحت معرفی نشده‌است.

پشت‌محنه این قانون دوم که دو دهه‌بعد از قانون اول، تصویب شد، «رشد تهاجمی» جمعیت و کاهش گسترده «زمین‌های خام واقع در حریم تهران» طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ بود. در آن مقطع، دولت تشخیص داده بود، بعد از دو دهه «رشد جمعیت تهران بزرگ فرات از طر‌های جامع اول و دوم تهران»، لازم است جلوی بارگذاری‌های ساختمانی اطراف تهران گرفته شود تا «ذخایر اراضی موردنیاز برای آینده شهر تهران»، بیش‌از این، صرف نشود. در دهه ۷۰، جمعیت تهران که قرار بود طبق طرح جامع اول تهران به ۵۰میلیون نفر برسد، به حدود ۵۰میلیون نفر تجاوز کرده‌بود. به همین خاطر، با تصویب قانون مرتبط با حریم در دهه ۸۰، شهرهایی که در حریم تهران شکل‌گرفته بودند و خودشان هم حریم داشتند، نمی‌توانستند «بیش‌از حد موجود» گسترش پیدا کنند و زمین‌های حریم آنها طبق همان قانون، مشمول «صدور مجوز از سمت شهرداری تهران، صرفاً برای توسعه فیزیکی شهر تهران» است.

##### «یک حریم، دو متولی» چگونه حل می‌شود؟

در حال حاضر ۲۰ سال از اداره تهران با «یک حریم و دو متولی» می‌گذرد. نتیجه آن شده که پایتخت از سمت نوار غربی خنلموده‌ده، عملاً «حریم» خود را از دست داده‌است؛ به‌طوری‌که حداقل‌س کرخ و تهران، مابین منطقه ۲۲ و وردآورد از یکسو (متعلق به محدوده تهران) و گرمدره از سوی دیگر (داخل محدوده استان البرز)، تقریباً هیچ‌امکانی به شکل «راضی بکر و خام» برای

تولید ناخالص داخلی (GDP) دارد. برآوردها نشان می‌دهد در صورت فعالیت خودروسازان با ظرفیت کامل، این صنعت می‌تواند بین سه تا پنچ‌درصد ارزش‌افزوده در اقتصاد کشور ایجاد کند. از همین‌رو، هر تحول ساختاری یا عملیاتی در صنعت خودرو، به‌طور مستقیم بر سایر بخش‌های اقتصادی و شاخص‌های کلان اثر گذار خواهد بود.

با این‌حال، تلاوم زبان ابانتشه سنگین خودروسازان، نشانه‌ای از اختلال عمیق در نظام اقتصادی و سیاستگذاری این صنعت است. بخش عمده این زبان‌ها، در واقع منابعی است که بواسطه نظام قیمت‌گذاری دستوری از شرک‌تها به مصرف‌کنندگان نهایی منتقل شده‌است. دولت طی سال‌های اخیر با اصرار بر فروش خودرو با قیمت‌های مصوب، خودروسازان را ناچار کرده تا تولید را با زیان ادامه دهند. برآوردها نشان می‌دهد زیان ابانتشه حدود ۳۰۰هزار میلیارد تومانی خودروسازان معادل نزدیک به سه‌میلیارد دلار است؛ رقمی که یانگتر حجم بالای منابعی است که در سایه سیاست‌های دستوری از بین رفته است. این در حالی است که خودروسازان نتنها در مسیر صادرات ناکام مانده‌اند، بلکه فرصت‌های طلایی برای حضور در بازارهای منطقه‌ای نیز به دلیل محدودیت‌های ناشی از روابط بین‌المللی از دست رفته است. علاوه‌بر بُعد مالی، موانع در عرصه سیاست خارجی مانع از دسترسی صنعت خودرو به فناوری‌های نوین و همکاری‌های بین‌المللی شده‌است؛ عاملی که به‌صورت مستقیم موجب عقبماندگی فنی، کاهش نوآوری و افت توان رقابتی این صنعت در مقیاس جهانی شده‌است.

#### فاصله زیاد صنعت خودرو با تراز تجاری مثبت

در سال‌های گذشته، صادرات خودروهای ایرانی هرچند محدود، عمدتاً به کشورهایی مانند سوریه و عراق صورت می‌گرفت، با این‌حال نمی‌توان انتظار داشت که محصولات تولیدی کشور با خودروسازان پیشرو جهانی رقابت کنند. ساختار دولتی حاکم بر صنعت خودروی ایران موجب شده‌است که مدیران منصوب در این بخش از رانت‌های دولتی بهره‌مند شوند و این امر مانع تحقق کامل توان رقابتی این صنعت شده‌است. منطقی است که از صنعتی که فاقد قدرت رقابتی است، انتظار موفقیت در حوزه صادرات نرود. از قضا آمارهای صادراتی نیز گویای همین نکته است.

با این‌حال، هم‌اکنون فرآیند خصوصی‌سازی یکی از خودروسازان بزرگ کشور آغاز شده‌است و در صورتی‌که این مسیر به درستی دنبال شود و شرکت مذکور توان رقابتی خود را ارتقا‌دهد، در بلندمدت امکان صادرات محصولاتش فراهم خواهد شد و با تولید محصولات رقابتی می‌توان انتظار این روند را داشت. در حال حاضر شاهد تراز تجاری منفی در این صنعت هستیم؛ به‌طوری‌که فاصله میان وضعیت فعلی واردات و صادرات و دستیابی به تراز تجاری مثبت در این صنعت همچنان بسیار زیاد است و به اعتقاد من تحقق آن نیازمند تقویت بنیادین بخش خصوصی است. علاوه بر این، اجرای استانداردهای بین‌المللی و انطباق با الزامات آلاینده‌گی، مانند استاندارد یورو۶، همچنان با چالش‌ها و تردیدهای جدی مواجه است. پیامد این تأخیرها و عدم‌تعلیمات‌ها می‌توان در زیان ابانتشه بالای صنعت مشاهده کرد که طی سالیان گذشته به‌وضوح نمایان شده‌است.

#### منظور از «تراز تجاری منفی» چیست؟

به اعتقاد من ابتدا لازم است روشن کنیم منظور از «تراز تجاری منفی» در صنعت خودرو چیست. در صنعت خودرو، دو نوع واردات اصلی وجود دارد: واردات رسمی خودروهای کامل خارجی و دوم واردات قطعات خودرو که تولید آنها در کشور یا اقتصادی نیست یا از نظر فناوری و کیفیت با نمونه‌های خارجی قابل‌رقابت نیست. واردات خودروهای کامل اساساً از فعالیت تولیدی خودروسازان داخلی جداس‌ت؛ این خودروها صرفاً خریداری می‌شوند و برای آنها سهمیه ارزی مشخصی دریافت می‌شود که معمولاً از محل ارز مبادله‌ای است. هدف واردکننده هم صادرات نیست، بنابراین محاسبه تراز تجاری صادرات- واردات برای این بخش عملاً معنا ندارد.

اما اگر تنها واردات قطعات داخلی مدنظر باشند، بحث تراز تجاری به مفهوم کلاسیک اقتصادی مطرح نیست؛ این کالاها در فرآیند تولید داخل مصرف می‌شوند و هدف صادراتی برای آنها تعریف نشده‌است. در صورتی‌که منظور از «تراز منفی» صادرات مجدد خودرو باشد – مانند عملکرد برخی کشورها مانند گرجستان یا دبی که خودرو را وارد و با ارزش‌افزوده صادر می‌کنند – آنگاه می‌توان چنین تحلیلی داشت، اما بدون محاسبات دقیق نمی‌توان ادعا را رد یا تأیید کرد و بررسی کارشناسی بیشتری لازم است. سوال مهم این است که؛ آیا می‌توان بدون صنعت خودرو زندگی اقتصادی پایداری داشت؟ پاسخ روشن است: خیر. کشور به تولید خودرو نیاز دارد. ما نه توان واردات بیش از یکمیلیون خودرو در سال را داریم و نه منابع ارزی لازم برای آن فراهم است، بنابراین صنعت خودرو به‌عنوان صنعتی مادر و پیشران اقتصاد، نقشی انکار‌ناپذیر دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، هرچند نیازمند اصلاح ساختاری و عمیق است.

صنعت خودروی ایران دارای سابقه، ریشار و به شبکه گسترده‌ای از صنایع قطع‌همازی وابسته است و باید مورد حمایت و بازآفرینی قرار گیرد، اما هدف‌گذاری برای صادرات در کوتاهمدت واقع‌بینانه نیست. با اصلاحات اساسی در ساختار صنعتی، مدیریتی و فناوری، می‌توان در یک بازه ۱۰ساله به صادرات پایدار دست یافت. امروزه در برخی حوزه‌ها توان تولید داخلی وجود دارد، اما واردات تا کشورهایی مانند چین همچنان مقرر صرف‌فست است و در قطعات پیچیده وابستگی باقی است، بنابراین با اصلاح صنایع بالادستی و ارتقای فناوری، می‌توان این وابستگی را کاهش داد و تولید کامل خودرو در داخل و کنترل ارزیبری صنعت خودرو را ممکن ساخت.



با استناد به داده‌های این منبع رسمی، صنعت خودروی ایران، بوغم اهمیت استراتژیکی، یک بحران‌ساز در تراز ارزی کشور محسوب می‌شود.

«محفوظ نگذاشتن» آن جهت توسعه آتی پایتخت، باقی نمانده‌است. همین وضعیت از سمت شرق محدوده شهر تهران نیز صادق است و در جنوب خط محدوده تهران، یعنی اتوبان آزادگان نیز «حریم پایتخت» در اختیار شهرستان‌های پاکدشت، اسلامشهر و قنس قرار دارد که درست تا مجاورت اتوبان آزادگان، حوزه استفساطی شهرداری‌های این شهرستان‌ها قرار دارد و در عین حال، حریم تهران هم محسوب می‌شوند.

این تعارض باعث‌شده از یکسو، شهرداری تهران مدعی آن است که نباید در اطراف محدوده جنوبی شهر تهران، ساختمان یا فعالیت تاز‌هی شکل بگیرد اما از سوی دیگر، مدیران شهرستان‌های مجاور و مالکان زمین‌های آنجا، در حال صدور مجوزها و بارگذاری‌های ساختمانی و جمعیتی هستند. در این میان، «ارزش اقتصادی زمین‌های واقع در حریم پایتخت» که ناشی از «زدیکی به مرکز» است، اشتباهی برخی واحدهای صنعتی در حریم و مالکان برای «تعیین یا تغییر کاربری» زمین‌های حریم تهران را سبب شده‌است؛ روندی که در سال‌های اخیر چون برای شهرداری‌های حریم منابع مالی قابل‌توجه حاصل از صدور مجوز برای این اراضی را به‌همراه داشت. عاملی برای «شتاب بارگذاری» روی اراضی ذخیره توسعه آتی پایتخت شد.

در این‌میان، طرف مقابل یعنی شهرداری تهران که با استناد به قانون دهه ۸۰، خود را «متولی» نظارت بر ساختوسازهای حریم شهر تهران می‌داند نیز به‌نوعی، خود را «نی‌تغ» منابع مالی حاصل از صدور پروانه و تغییر کاربری در این اراضی نیز می‌داند. نتیجه آن شده که دعوی دولت و شهرداری اکنون بالا گرفته و کار به دولت رسیده‌است. استانداری تهران، پروانه‌ای که شهرداری برای حریم صادر کرده را ابطال کرده و شهرداری هم اجازه «ساختوساز جدید» در حریم تهران یا همان «محدوده شهرهای حومه تهران» را نمی‌دهد.

گروه مسکن و شهری روزنامه «دنیایاقتصاد» در جریان تحقیق و بررسی درباره «زیرپوست» این دعوا، علاوه‌بر اینکه به ریشه‌های این اختلاف رسید، به یک طرح «حل اختلاف» هم دسترسی پیدا کرده‌است که برای اواخر دهه ۹۰ است؛ مقصود همسویی سیاسی و فکری بین دولت و شهرداری برقرار بود و همین «عدم اختلاف‌نظر» باعث‌شده بود شهرداری تهران و استانداری تهران، برای «تعیین‌تکلیف» متولی حریم شهر تهران با هدف «تنظیم جریان بارگذاری آتی روی اراضی حریم پایتخت». در قالب یک طرح، به دو راهکار برسند. در آن طرح، دو پیشنهاد مطرح شد: اولین راهکار این است که هیچ‌کدام از شهرداری‌های شهرهای واقع در حریم شهر تهران، «حریم نهاد مشترک (با استانداری) با محوریت شهرداری تهران» انجام شود.

راهکار دوم نیز «حریم مشاعی» برای شهرهای اطراف تهران و شهر تهران دنظر گرفته‌است؛ به این‌معنا که زمین‌های موجود واقع در حریم تهران که از محدوده شهرستان‌های اطراف تهران خارج است، در قالب «حریم مشاعی» باشد و «ظلمات و کنترل» بر آن با استانداری باشد. تحقیقات «دنیایاقتصاد» حاکی است، با توجه به اینکه سطح دعوا در هفته گذشته، بالا گرفت، قرار است شورای‌عالی شهرسازی و معماری کشور به‌زودی یکی از این دو راهکار را تصویب کند؛از آنجا که مرجع تصمیم‌گیری برای «آینده توسعه فیزیکی شهرهای ایران» شورای‌عالی شهرسازی و معماری کشور است که در قالب تدوین یا بازنگری طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها، این تصمیم‌گیری را انجام می‌دهد، شاید بتواناد «اختلافاتی که به واسطه وجود ۲ قانون متضاد» بین استانداری تهران (زیرمجموعه وزارت کشور) و شهرداری تهران به‌وجود آمده را حل و فصل کند.



**فرحناز نعمتی** – معاملات سومین هفته از آبان طبق پیش‌بینی‌ها مثبت و پر تقاضا آغاز شد، اما به مرور ورق بازی در تالار شیشه‌ای برگشت.

داستان چهارشنبه مجددا در بازار تکرار شد، اما این بار دقیقاً برعکس. در آخرین روز معاملاتی هفته گذشته، بسازاری که از ابتدای صبح با عرضه‌های سنسگین مواجه بود، در نیمه دوم معاملات با تحركات مثبت در نماد حساسا یا جانی تازه گرفت. تحراتی که به تدریج به سایر نمادهای خودرویی و سپس به کلیت بازار سرایت کرد. همین عامل موجب شد شاخص کل با وجود فشار فروش اولیه، نهایتاً در محدوده مثبت بسته شود. اما روز شنبه ورق برگشت. تقاضای موجود در تابولی معاملاتی که در هفته قبل رشد شاخص بود، این بار در برابر موج منفی ناشی از افت حساسا و سهام تودلی تاب نیاورد. افت این نمادها به سرعت به گروه خودروسازان و سپس به سایر صنایع سرایت کرد تا شاخص کل بخش عمدهای از رشد روز گذشته را پس بدهد. در نهایت،بازاری که در ساعات ابتدایی چهره‌ای سبزرنگ داشت، کار خود را تنها با ۵۱ درصد نمادهای مثبت به پایان رساند.

**در بازار شنبه چه گذشت؟**

شاخص کل بورس که در اوایل ساعات معاملاتی تا نیمه‌های کانال ۳۰۲ میلیون واحدی پیش رفته بود، در نهایت با افزایش ارتفاع ۰٫۶۶ درصدی در سطح ۳ میلیون و ۲۲۴ هزار واحد آرام گرفت. شاخص هموزن نیز با اختلاف سطح اندک و رشد، ۰٫۴۴ درصدی، کار خود را در کانال ۹۲۶ هزار و ۱۷۲ واحد به پایان برد. در این روز، نمادهای فملی، فارس و فولاد بیشترین اثر مثبت را بر شاخص کل ثبت کردند و نمادهای مهرگان، وبملت و خودرو پرتراکش‌ترین نمادهای روز بودند. نماد مهرگان که طی چند روز گذشته در صدر فهرست پرتراکش‌ها قرار داشته، به دلیل عرضه اولیه اخیر همچنان در کانون توجه معامله‌گران است. در بازار فرابورس نیز نماگرها همسو با بورس رشد را تجربه کردند. شاخص



بهرغم هشدارهای پیاپی از سوی مدیران ارشد نظام مالی آمریکا، از جیمی دایمون در «جی‌بی مورگان» تا دیوید سولومون در «گلدمن ساکس» و جین فریزر در «سیتی گروپ»، بازارهای مالی ایالات متحده همچنان در وضعیتی قرار دارند که بسیاری از تحلیلگران آن را «جیبایی» می‌خوانند. دایمون در اواسط اکتبر گفت: «سیاسی از درایی‌ها به نظر می‌رسد وارد محدوده خطرناک حباب شده‌اند.» این هشدار تنها باباتی از نظر او نیست؛ بلکه صدایی از دل نگرانی فزاینده نهادهای مالی جهانی است. بانک انگلستان از افزایش احتمال «اصلاح تند بازار» سخن گفته و صندوق بین‌المللی پول نیز هشدار داده که سقوط بی‌نظم قیمت درایی‌ها می‌تواند پیامدهای جدی به همراه داشته باشد. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد ارزش درایی‌ها در آمریکا به‌طور چشم‌گیری از واقعیت‌های اقتصادی فاصله گرفته است. شاخص S&P۵۰۰ اکنون حدود ۴۰ برابر درآمد‌های تعدیل‌شده چرخه‌ای شرکت‌ها معامله می‌شود؛ نسبتی که تنها در دوران حباب بانک‌دام از آن فراتر رفت. در بازار اوراق قرضه شرکتی نیز اختلاف بازده اوراق با درجه اعتباری بالا نسبت به اوراق خزانه‌داری تنها ۰٫۸- واحد درصد است. سطحی که آخرین بار در سال ۲۰۰۵ و در آستانه بحران مالی جهانی دیده شد. حتی طلا، که معمولاً پناهگاه امن سرمایه‌گذاران تلقی می‌شود، به نوسانات ناگهانی حساس شده است. قیمت آن که در ۲۰ اکتبر به رکورد تاریخی رسید، ظرف دو روز ۷درصد افت کرد و اکنون ۹درصد پایین‌تر از اوج خود قرار دارد.

## انتظار صعود پر قدرت دور از ذهن است

به سقف تاریخی، نشانه‌ای از افزایش احتیاط سرمایه‌گذاران است. بسیاری از فعالان ترجیح می‌دهند پیش از هرگونه ورود سنسگین، از عبور پایدار شاخص از مقاومت اطمینان حاصل کنند. رشد اخیر بازار تا حدی حاصل سیاست دامنه‌نوسان محدود و کنترل عرضه‌ها بوده است؛ سیاستی که در کوتاهمدت مانع از نوسانات شدید می‌شود، اما در بلندمدت می‌تواند پویایی بازار و کشف قیمت واقعی را مختل کند. بنابراین، در کوتاهمدت انتظار می‌رود بازار سهام در محدوده فعلی نوساناتی آرام و متعادل را تجربه کند و در صورت عبور پایدار از مقاومت یادشده، زمینه برای موج صعودی جدید فراهم شود.

در مقابل، شکست حمایت‌های ۳۱٫۸ و ۳۰٫۸ میلیون واحدی می‌تواند اصلاح عمیق‌تری را رقم بزند. کارشناس بازار سرمایه به تصمیم سازمان بورس جهت تکمیل زنجیره طلا اشاره و آن را ارزیابی کرد: در کنار تحولات بازار سهام، موافقت اصولی سازمان بورس با تاسیس نخستین صندوق «صودر و ابطال طلا» گامی مهم در تکمیل زنجیره ابزارهای مالی مبتنی بر طلا محسوب می‌شود. پیش از این، سرمایه‌گذاری در طلا در چارچوب صندوق‌های ETF انجام می‌شد که معاملات آن محدود به ساعات رسمی بورس بود. اما در ساختار جدید، سرمایه‌گذاران می‌توانند مستقیماً از طریق مدیر صندوق، واحدهای جدید صادر یا ابطال کنند؛ مشابه صندوق‌های صدور و ابطال سهامی، یا مختلط که توسط مدیران مالی اداره می‌شوند. این اقدام چند مزیت اساسی دارد: نخست، توسعه و تنوع ابزارهای مالی در بازار طلا و افزایش انتخاب‌های سرمایه‌گذاران از سطح ریسک و افق زمانی متفاوت؛ دوم، جذب سرمایه‌های سرگردان به‌ویژه از سوی افرادی که تمایل به حضور مستقیم در بازار فیزیکی ندارند؛ سوم، کمک به کاهش نوسانات بازار فیزیکی از طریق انتقال بخشی از تقاضا به بازار مالی؛ و چهارم، ارتقای شفافیت نظارتی در مقایسه با معاملات غیر رسمی طلا.

با این حال، چالش‌هایی همچون نقدشوندگی پایین‌تر نسبت به ETFها، احتمال انحراف قیمت از ارزش واقعی و هزینه‌های مدیریتی بالاتر باید مورد توجه قرار گیرد. در مجموع، این تصمیم از منظر سیاست‌گذاری مالی اقدامی مثبت و تکمیلی در راستای توسعه عمق بازار سرمایه و گسترش ابزارهای مبتنی بر درایی‌های واقعی است. با توجه به شرایط فعلی بازار سهام، چنین نوآوری‌هایی می‌تواند ضمن تقویت جذابیت بازار سرمایه، مسیر تازه‌ای برای مدیریت نقدینگی و هدایت سرمایه‌های خرد

# نوسان در مرز ۳.۲ میلیون واحد

ابتدای ساعات معاملات مبنی بر حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی برای کالا‌های اساسی و دارویی بود؛ خبری که موجی از تقاضا در سهام این گروه ایجاد کرد، اما در پایان بازار تکذیب شد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود روز یکشنبه برای درویی‌ها روزی متفاوت باشد. با وجود افزایش عرضه‌ها، ارزش سفارش‌های خرید با رقم هزار و ۲۷۷میلیارد تومان از ارزش سفارش‌های فروش ۷۱۳میلیارد تومانی بالاتر ایستاد. همچنین ارزش صف‌های خرید در برابر صف‌های فروش به ترتیب ۹۱۴میلیارد تومان و ۳۴۸میلیارد تومان بود. در پایان معاملات، تعداد نمادهای دارای صف خرید و فروش تقریباً برابر شد؛ ۹۳ نماد در سمت خرید و ۹۰ نماد در سمت فروش.

نگاهی به تغییر جهت ۱۷۶ نماد از مثبت به منفی در طول معاملات نیز تصویری روشن از بازار نوسانی شبته ارائه می‌دهد. در سمت خروج نقدینگی، بانکی‌ها با ۴۲میلیارد تومان خروج پول حقیقی برای چندمین روز متوالی در صدر قرار گرفتند و پس از آن چندرشته‌ای‌های صنعتی و زغال‌سنگی‌ها بیشترین خروج پول را تجربه کردند. در سوی مقابل، پالایشی‌ها با ۶۵میلیارد تومان، دارویی‌ها با ۵۴میلیارد تومان و فلزات اساسی با ۴۸میلیارد تومان در صدر جذب نقدینگی حقیقی‌ها قرار داشتند. جالب آنکه گروه سیمان نیز پس از مدت‌ها بار دیگر به کانون توجه بازگشت و با ۲۶میلیارد تومان ورود نقدینگی در رینگ معاملات دوباره خودی نشان داد.

در بخش صندوق‌ها نیز جریان نقدینگی چهره‌ای دوگانه داشت. صندوق‌های سهامی با ۱۶میلیارد تومان خروج پول در صدر خروجی‌ها قرار گرفتند و پس از آن صندوق‌های بخشی با ۴۰میلیارد تومان خروج در رتبه دوم ایستادند. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با جذب ۹۱۲میلیارد تومان ورود پول بیشترین توجه را به خود جلب کردند. پس از آن، صندوق‌های طلا با ۴۴۸میلیارد تومان، صندوق‌های مختلط با ۴۱میلیارد تومان و صندوق‌های اهرمی با ۲۱میلیارد تومان ورود نقدینگی در جایگاه‌های بعدی قرار گرفتند. این اعداد به روشنی نشان می‌دهد که هرچند بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌ها به سمت درایی‌های کپریسکتر حرکت کرده، اما همچنان بخشی از نقدینگی تازه در حال چرخش میان صنایع مختلف بورسی است.

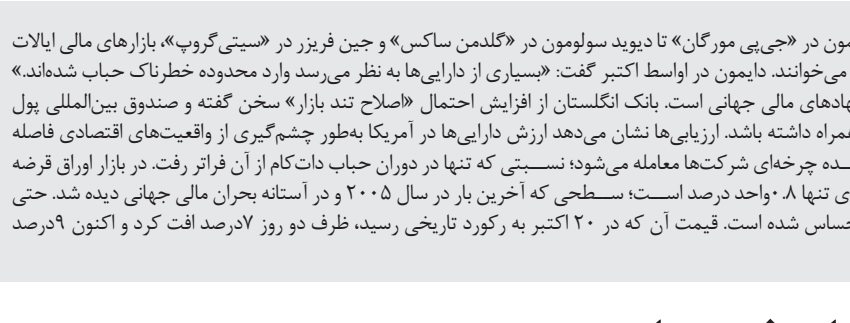
**اصلاح زمانی؛ محتمل‌ترین سناریو**

محمد خبزی‌راد، تحلیلگر ارشد بازار سرمایه، درباره وضعیت معاملات روز شنبه گفت: «باز دیروز دو نیمه کاملاً متفاوت داشت. در نیمه اول معاملات، شرایط کاملاً مثبت بود و شاخص کل حتی تا سطح سه‌میلیون و ۲۴۵هزار واحد هم رشد کرد، اما از حدود ساعت ۹ و نیم به بعد، روند بازار تغییر کرد. مخصوصاً از ساعت ۱۱ به بعد فشار فروش در نمادها بالا رفت و در نهایت شاخص کل با رشد ۰٫۶۶ درصدی در سطح سه‌میلیون و ۲۲۴هزار واحد به کار خود پایان داد.»

او افزود: «از نظر ورود پول حقیقی، حدود ۲۸۰میلیارد تومان پول وارد بازار شد. از منظر سرانه خرید و فروش هم نسبت ۱:۲ به نفع خریداران بود. با این حال، نکته‌ای که در روزهای سمشنبه، چهارشنبه و دیروز مشهود بود این است که بازار بعد از رکوردشکنی و عبور از سقف عددی شاخص، در ادامه مسیر صعودی با مشکل مواجه شد. در واقع شاخص توانست سقف تاریخی را بشنود، اما برای عبور محکم از آن نیاز به یک نیروی محرک قوی دارد؛ نیرویی که فعلاً در بازار وجود ندارد.» به گفته این تحلیلگر، «بازار در حال حاضر نقدینگی دارد و خریداران هم حضور دارند، اما شاید بتوان گفت انگیزه کافی برای خریدهای پر قدرت در این محدوده‌ها وجود ندارد. وقتی بازار کمی منفی می‌شود، بلافاصله خریداران روی تابلو مشخص می‌شوند و ورود پول را می‌بینیم. بنابراین پول در بازار هست، اما آن نیروی قوی که بتواند بازار را از این سطوح به حرکت درآورد، فعلاً غایب است.» خبزی‌راد ادامه داد: «برخی نگران اصلاح عمیق شاخص هستند، اما به نظر من چنین احتمالی وجود ندارد. بیشتر باید انتظار یک اصلاح کوتاهمدت زمانی را داشته باشیم تا اینکه بازار وارد فاز اصلاح قیمتی سنگین شود. بازار در این مقطع نیاز به یک محرک مشخص دارد تا بتواند از سقف روانی فعلی عبور کند.» او با اشاره به عوامل بنیادینی که می‌توانند در ادامه مسیر نقش‌آفرین باشند، گفت: «مهم‌ترین عامل پیش‌روی بازار، مفروضات بودجه سسال ۱۴۰۵ است. شاید اصلی‌ترین نکته، بحث نرخ دلار توافق و حذف دلار ۲۸هزار و ۵۰۰ تومانی باشد. پیش‌بینی‌ها به این سمت می‌رود که نرخ دلار توافقی در بودجه جدید با رشدی حدود ۳۰ تا ۴۰ درصدی نسبت به امسال، در محدوده ۹هزار تومان در نظر گرفته شود. اگر این مفروضات نهایی و شفاف شود، می‌تواند یک سوخت خریدارند برای بازار باشد. در مقابل، موضوع نرخ خوراک صنایع، بهره‌مالکانه و حجم انتشار اوراق دولتی در بودجه، جزو ریسک‌های منفی بالقوه است که ممکن است اثرگذار باشد.» او در ادامه گفت: «در مجموع آنچه روشن است، این است که پولی که طی هفته‌های اخیر وارد بازار شده هنوز قصد خروج ندارد. حتی با وجود منفی‌های اخیر هم خروج محسوسی از سمت حقیقی‌ها ندانمشیم. بنابراین محتمل‌ترین سناریو برای روزهای آینده، اصلاح زمانی و سپس آغاز یک حرکت جدید با انتشار گزارش‌های ماهانه آبان و مشخص شدن جزئیات بودجه است.»

این تحلیلگر بازار سرمایه درباره وضعیت گروه بانکی نیز توضیح داد: «در مورد خروج پول از صنعت بانک، به نظر من این موضوع چندین با واقعیت‌های بنیادی این صنعت همخوانی ندارد. بانک‌ها در گزارش‌های ماهانه و شش‌ماهه عملکرد مطلوبی داشتند. برخی از نظر عملکرد عملیاتی قوی بودند و برخی دیگر از محل فروش درایی سود شنسایی کردند. ضمن اینکه این صنعت در دو سال اخیر بازدهی بالایی نصیب سهامدارانش کرده و طبیعی است که مدتی در فاز استراحت قرار گیرد. بنابراین افت‌های اخیر بیشتر شبیه اصلاح قیمتی موقت است تا نشانه‌ای از ضعف بنیادی. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد اتفاق خاصی در این صنعت رخ نداده و از نظر بنیادی، افت‌های پیاپی خوبی توجیحی ندارد و احتمال بازگشت روند مثبت زیاد است.»

او در پایان درباره چشم‌انداز معاملات یکشنبه گفت: «احتمال می‌دهم امروز در نیمه اول بازار فشار عرضه بالا باشد و شروع بازار با غلبه فروشنده‌ها همراه شود. اما به مرور که قیمت‌ها کاهش پیدا کند، تقاضا در نمادها شکل می‌گیرد و بازار برای خریداران جذابتر خواهد شد. در نتیجه انتظار دارم نیمه دوم معاملات حداقل به تعادل برسد یا حتی اندکی مثبت شود، مگر اینکه اتفاق خاصی در مجموع بازار در مسیر اصلاح زمانی قرار دارد و با یک محرک قوی چه از جنس بودجه و چه از جنس گزارش‌های آتی – می‌تواند دوباره جان بگیرد.»



به سمت ابزارهای شفاف و رسمی فراهم کند.

**اصلاح محتمل‌تر از صعود پر قدرت است**

آزاد پورکار، کارشناس بازار سرمایه به ارزیابی وضعیت بازار سهام، مولفه‌های اثرگذار و چشم‌انداز آن در کوتاه‌مدت پرداخت و گفت: بازار سرمایه به روزهای اخیر پس از عبور از محدوده ۳میلیون واحد و رسیدن به سطح حدود ۳ میلیون و ۲۵۰ هزار واحد، رکودشدی مثبتی به دو خیر مهم داشت. نخست، موضوع تعدیل فرمول نرخ خوراک پتروشیمی‌ها و حذف تاثیر دو هاب اروپایی واردکننده گاز از فرمول قیمت‌گذاری که می‌تواند به کاهش معنادار هزینه‌ها منجر شود دوم، انتظارات نسبت به نرخ ارز شرکت‌های صادرات‌محور، به‌ویژه فولادی‌ها در بازار دوم بهبود پیدا کرد. این دو خیر، محرک‌های اصلی رشد اوراق دولتی و عملاً قیمت‌های خود را با این مفروضات تعدیل کردند. وی افزود: اکنون شاخص در محدوده سقف‌های تکنیکال قرار گرفته و در روزهای اخیر شاهد افزایش عرضه‌ها و کاهش ارزش معاملات هستیم. از سوی دیگر، انتشار برخی گمانه‌زنی‌ها و اظهارات غیررسمی درباره اینکه ممکن است حذف کامل دو هاب اروپایی از فرمول نرخ خوراک انجام نشود یا فرمول جایگزین دیگری اعمال شود، باعث افزایش تردیدها در بازار شده است. این اخبار، هرچند هنوز رسمی و قطعی نیستند، اما بعدایلی آنکه بازار را در شرایط انتخاب‌های سرمایه‌گذاران از قیمت‌ها لحاظ کرده، می‌توانند منجر به اصلاح در بازار شوند.

پورکار اصلاح بازار سهام را در چشم‌انداز کوتاهمدت محتمل‌تر از صعود پر قدرت می‌بیند، وی به ارزیابی این دلایل پرداخت و گفت: بنظر می‌رسد با توجه به شرایط کنونی، احتمال اصلاح مقطعی شاخص و پیش از قطعه صعود پر قدرت از این صبورانه اشتباه به این مسیر وارد شوند. این رویداد می‌تواند گامی موثر در بنیادی بازار، مانند تغییرات مثبت در نرخ ارز، سیاست‌های کلان پولی و مالی، یا اخبار سیاسی تاثیرگذار رخ دهد. در چنین وضعیتی حتی اخبار منفی جدید، چه از حوزه اقتصاد و چه از تحولات منطقه‌ای، یا تکذیب موارد مثبت مورد انتظار، می‌تواند اصلاح را عمیق‌تر کند. در مجموع می‌توان گفت بازار در انتظار روشن‌شدن نهایی وضعیت نرخ خوراک و متغیرهای اثرگذار دیگر است و تا مشخص‌شدن قطعی این موارد، فاز اصلاحی محتمل‌تر از تداوم روند صعودی خواهد بود.

# گامی برای پیوند فناوری و اقتصاد

مستثنی بوده و توانسته توجه و مشارکت فعالان بانک، بیمه، بورس و سرمایه‌گذاری را جلب کند. رئیس امور هوش مصنوعی و توسعه دولت هوشمند در ادامه با تأکید بر اهمیت ورود هوش مصنوعی به عرضه‌های مختلف اقتصادی، اظهار کرد: برزو و گسترش فناوری‌های هوش مصنوعی باعث شده بخش قابل‌توجهی از فضاهای کسب‌وکار دچار تغییر شود. شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی هر یک به میزان توان و ظرفیت خود به سمت استفاده از هوش مصنوعی حرکت کرده‌اند. اکنون زمان آن رسیده که شرکت‌های فعال در حوزه‌های مالی و اقتصادی بیش از پیش با ظرفیت‌های این فناوری آشنا شوند و گفت‌وگویی میان فعالان صنعت و متخصصان هوش مصنوعی شکل گیرد. احدیسان ادامه داد: هدف از پلوسون هوش مصنوعی در کیش اینوستی، ایجاد همین تعامل دوسویه است تا فضای عرضه و تقاضای هوش مصنوعی در کشور به‌سرعت شکل بگیرد و از این صنایع طریق زمینه توسعه کاربردهای آن فراهم شود. واقعیت این است که در حال حاضر نه همه صنایع و بنگاه‌ها درک درستی از ظرفیت‌های هوش مصنوعی دارند و نه فعالان این حوزه توانسته‌اند به شکل مطلوب با بخش‌های مالی و اقتصادی ارتباط بگیرند. اگر بتوانیم زمینه آشنایی و گفت‌وگوی

بورس و بانک

# روزنامه ۳ روزاقتصاد

یکشنبه ۱۳۰۳ اسفند ۱۴۰۴ | شماره ۴۷۰۶۹

www.marzeghtesad.ir

❖ **کارنامه متناقض دولت‌های ترامپ**

دونالد ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری خود با کاهش مالیات شرکتی و مقررات‌زدایی، منجر به رشد ۶۷ درصدی شاخص S&P ۵۰۰ شد. و یکی از بهترین عملکردهای تاریخی را ثبت کرد. اما در ۱۰۰ روز اول دوره دوم، سیاست‌های تعرفه‌های ۶۰ درصدی بر چین و تنش‌های تجاری، شاخص را ۷.۹درصد پایین کشیدند، بدترین شروع یک رئیس‌جمهور در ۸۰ سال اخیر.

هر چهار سال یک بار با انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، گمانه‌زنی‌هایی درباره برنده انتخابات وجود دارد و تصمیمات فعالان بازار سرمایه در کوتاهمدت تا حدی تحت‌تاثیر این رویداد قرار می‌گیرد. با این وجود تاریخ نشان می‌دهد که انتخابات ایالات متحده در بلندمدت، تقریباً بر بازار سهام بی‌تاثیر است. طبق گزارش بلومبرگ، در دوره پس از جنگ جهانی دوم، بازار تحت هر دو دولت دموکرات و جمهوری‌خواه بازده‌های خوبی داشته است، اگرچه تحقیقات CFRA نشان داد که از نظر بازده مطلق، عملکرد بازار تحت دولت‌های دموکرات بهتر بوده است.

بازار سهام در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ با رشد قابل‌توجهی همراه نبود، اما در دوره دوم ریاست جمهوری او شاخص‌ها با نوسانات بیشتری همراه بوده‌اند. در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ که از ژانویه سال ۲۰۱۷ آغاز شد و تا ژانویه سال ۲۰۲۱ ادامه داشت، شاخص S&P ۵۰۰ در مجموع ۶۷.۳درصد رشد کرد. در چهار سال بعدی که دولت ایالات متحده توسط دموکرات‌ها اداره می‌شد و بایدن ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا بود، عملکرد شاخص S&P ۵۰۰ در مجموع ۶۷.۳درصد رشد کرد. در چهار سال بعدی که دولت ایالات متحده توسط جمهوری‌خواهان اداره می‌شد و بایدن ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا بود، عملکرد شاخص S&P ۵۰۰ در مجموع ۶۷.۳درصد رشد کرد. البته در دوره بایدن بازار سهام با نوساناتی هم همراه بود؛ نوساناتی مانند رشد ۴درصدی در سال ۲۰۲۱ تا یافت ۲۰درصدی در سال ۲۰۲۲. از زمان آغاز دوره ریاست جمهوری ترامپ در اولین ماه سال میلادی جاری، شاخص با نوسانات بسیاری همراه بوده است. این شاخص از ابتدای دور دوم ریاست جمهوری ترامپ تا ۲۰ اکتبر، ۱۵.۸درصد رشد داشته است.

دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ دوره اول ترامپ با یک بازار صعودی (bull market) آغاز شروع شد. کاهش مالیات شرکت‌ها از ۲۵درصد به ۲۱درصد در سال ۲۰۱۷ و مقررات‌زدایی (deregulation) بانکی، دو عامل اصلی بودند که به افزایش شدید بازدهی و رشد شاخص‌های بازار سرمایه در آمریکا انجامیدند. سیاست‌های ترامپ اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۲۷۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۳هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷.۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴.۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲

# روزنامه در اقتصاد

یکشنبه ۰۳ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۶۷

www.marzeghtesad.ir

### ▼ موانع ارزی از مسیر تولید خودرو برداشته شود

محمد رستمی، نماینده نیشابور و فیروزه و سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، با حضور در ایران خودروی خراسان از خطوط تولید این مجموعه بازدید کرد و در نشست با شایبای مدیرعامل شرکت و جمعی از مدیران در جریان روند تولید، چالش‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای این واحد صنعتی قرار گرفت.

به گزارش روابط عمومی ایران خودروی خراسان؛ در این بازدید، شنبایی ضمن ارائه گزارشی از ظرفیت‌ها و دستاوردهای ایران خودروی خراسان، گفت: این شرکت به عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تولید خودروی شرق کشور، با تکیه بر نیروی انسانی متخصص و بومی‌سازی بخش قابل‌توجهی از قطعات، نقش موثری در تحقق تولید پایدار و اشتغال ایفا می‌کند.

محمد رستمی، سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به ضرورت بازنگری در سیاست‌های قیمت‌گذاری خودرو، اظهار کرد: قیمت‌گذاری نه به نفع مردم است و نه به نفع صنعت خودروسازی، چرا که از یک سو تولیدکنندگان امکان حرکت در مسیر توسعه، نوآوری و ارتقای کیفیت را از دست می‌دهند و از سوی دیگر مردم نمی‌توانند از خودروهای با کیفیت‌تر و به روزتر بهره‌مند شوند. وی افزود: در کمیسیون صنایع تلاش می‌کنیم با برگزاری جلسات تخصصی و دعوت از دو خودروساز بزرگ کشور، به راهکاری برسیم که ضمن حمایت از تولید، منافع مصرف‌کننده نیز حفظ شود. البته خودروسازان نیز باید با اصلاح ساختارها و کاهش هزینه‌های تولید، سهم خود را در این مسیر ایفا کنند.

### ▼ آماده‌باش دستگاه‌ها در پی وقوع زلزله بهاباد

مدیرکل مدیریت بحران استان یزد در پی وقوع زمین‌لرزه ۴٫۷ ریشتری بهباد دستور آماده باش و برگزاری جلسه‌ستاد پیشگیری،هماهنگی وفرماندهی عملیات پاسخ به بحران شهرستان بهاباد را صادر کرد. احسان بالاکتفی در این باره گفت: بلافاصله پس از وقوع زمین‌لرزه، گروه‌های ازیاب جمعیت هلال احمر و کارشناسان مدیریت بحران به نقاط مختلف شهرستان اعزام شدند و بررسی‌های لازم در خصوص خسارات احتمالی مالی در حال انجام است. منطقه یزد روزانه غیر مسکونی بوده و با شهر بهباد بیش از ۴۴ کیلومتر فاصله دارد.

وی از ارتباط با استاندار یزد، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور، معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار و معاون آمدادی و پاسخ سازمان مدیریت بحران کشور خبر داد و اظهار کرد: آخرین گزارش‌ها در خصوص زلزله در اختیار مسئولان ارشد استان و کشور قرار گرفت. بالاکتفی از فعال‌سازی مرکز عملیات اضطراری اداره کل مدیریت بحران استان نیز خبر داد و گفت: مرکز عملیات اضطراری اداره کل مدیریت بحران استان در کوتاه‌ترین زمان فعال شد و فرآیندهای مربوطه با هماهنگی دستگاه‌های امدادی در حال بررسی است.

### ▼ دیوار تعرفه‌ای و عادت به بازار غیرقابنتی

این الگوی مشترک نشان می‌دهد که مشکل در نبود منابع طبیعی یا نیروی انسانی نبوده، بلکه در ساختار سیاست‌گذاری اقتصادی و نوع مواجهه ما با مفهوم «قابت» و «کیفیت» نهفته است. در حوزه معدن و صنایع معدنی، ایران از ذخایر غنی و متنوعی برخوردار است. سنگ‌های تزئینی کشور از نظر کیفیت و تنوع در زمره بهترین نمونه‌های جهان قرار دارند. با این حال، سهم ایران از بازار جهانی سنگ فرآوری‌شده ناچیز است. هزاران واحد سنگبری در کشور فعالیت‌اما خروجی نهایی آنهاز منظر کیفیت، مستبعدتی و استانداردهای فنی، توان رقابت در بازار جهانی را ندارد. در حالی‌که ترکیه با حدود یک‌ششم تعداد کارخانه‌های ایران، چند برابر کشور ما صادرات دارد، این تفاوت نشان می‌دهد که مسأله اصلی نه در کمیت تولید، بلکه در کیفیت و رقابت‌پذیری نهفته است. چنین وضعیتی تنها به سنگ محدود نمی‌شود در صنایع فلزی نیز همین الگو تکرار شده است. میلگرد، یکی از مساهت‌ترین محصولات فولادی، در بازارهای جهانی به سختی جای پایی برای ایران باز کرده است. کشورها، منطقه که در سطح فنی و فناوری مشابهی به ما قرار دارند، موفق شده‌اند محصولات خود را به بازارهای سخت‌گیر اروپایی صادر کنند، در حالی‌که میلگرد ایرانی عمدتا روانه بازارهای آزران‌قیمت و بی‌استاندردی مانند عراق، افغانستان یا برخی کشورهای آفریقایی می‌شود.

حتی در مورد سیمان نیز، با وجود آنکه ایران از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان منطقه است، کشورهای دارای استاندارد بالاتر تمایلی به خرید سیمان ایرانی ندارند.ریشه این ضعف ساختاری را باید در نبود رقابت واقعی در بازار داخلی جست‌وجو کرد. در شرایطی که دیوار بلند تعرفه‌ای و ممنوعیت واردات کالای مشابه خارجی، بسازار ۰۸میلیونی ایران را از رقابت آزاد دور نگه داشته، تولیدکننده داخلی انگیزه‌ای برای ارتقای کیفیت ندارد. وقتی واردات محصول مشابه ممنوع می‌شود، مصرف‌کننده ناگزیر است که در کالای را که در داخل تولید می‌شود، خریداری کند؛ فارغ از آنکه کیفیت یا استانداردی در سطح جهانی داشته باشد یا نه. در چنین فضای، تولیدکننده نه تنها برای حضور در بازار بین‌المللی آماده نمی‌شود، بلکه به تولید کالای بی‌کیفیت عادت می‌کند و توانایی رقابت را از دست می‌دهد.



# تشکیک در آمار توریسم

بینتا حسن پور – در حالی که آمارهای رسمی از رشد ورود گردشگران خارجی به کشور خبرمی دهند، بسیاری از کارشناسان بر این باورند که این ارقام، فاصله زیادی با واقعیت‌های میدانی و اثر اقتصادی واقعی گردشگری دارند.

ارشک مسائلی، کارشناس گردشگری، در گفت‌وگو با اشاره به ضعف نظام آماری و حساب‌های آقماری گردشگری در ایران، معتقد است بخش بزرگی از آنچه در آمارها به عنوان «گردشگر ورودی» ثبت می‌شود، در تعریف واقعی گردشگری نمی‌گنجد. فصل ۱۷ برنامه هفتم پیشرفت، مربوط به میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در راستای نظارت بر عملکرد برنامه هفتم پیشرفت، احکام این برنامه را در سه محور اهداف کمی، اسناد تدوینی و اقدامات اجرایی ارزیابی کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که وضعیت اجرای برنامه هفتم پیشرفت در فصل ۱۷ نسبت به تحقق برنامه ششم توسعه قابل قبول است، هرچند برای افزایش عملکرد وزارتخانه در سال دوم، اقدامات بهبوددهنده لازم است. حدود نیمی از احکام برنامه تاکنون اجرا نشده‌اند و برخی اقدامات با تاخیر انجام شده‌اند. این تاخیر عمدتا به دلیل وابستگی به اقدامات قانونی یا تکمیل آیین‌نامه‌های مصوب بوده و قابل جبران است. بر اساس ماده (۸۲) این برنامه، تعداد گردشگر ورودی به کشور در سال اول باستانی به ۷میلیون و ۲۰۰ هزار نفر می‌رسید. با این حال آمار وزارت میراث فرهنگی و گردشگری عدد ۷میلیون و ۴۰۰ هزار نفر را ثبت کرده است. گرچه این عدد نشان می‌دهد که متولی گردشگری در این بخش به هدف خود دست یافته، اما گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آن را مبهم می‌داند.

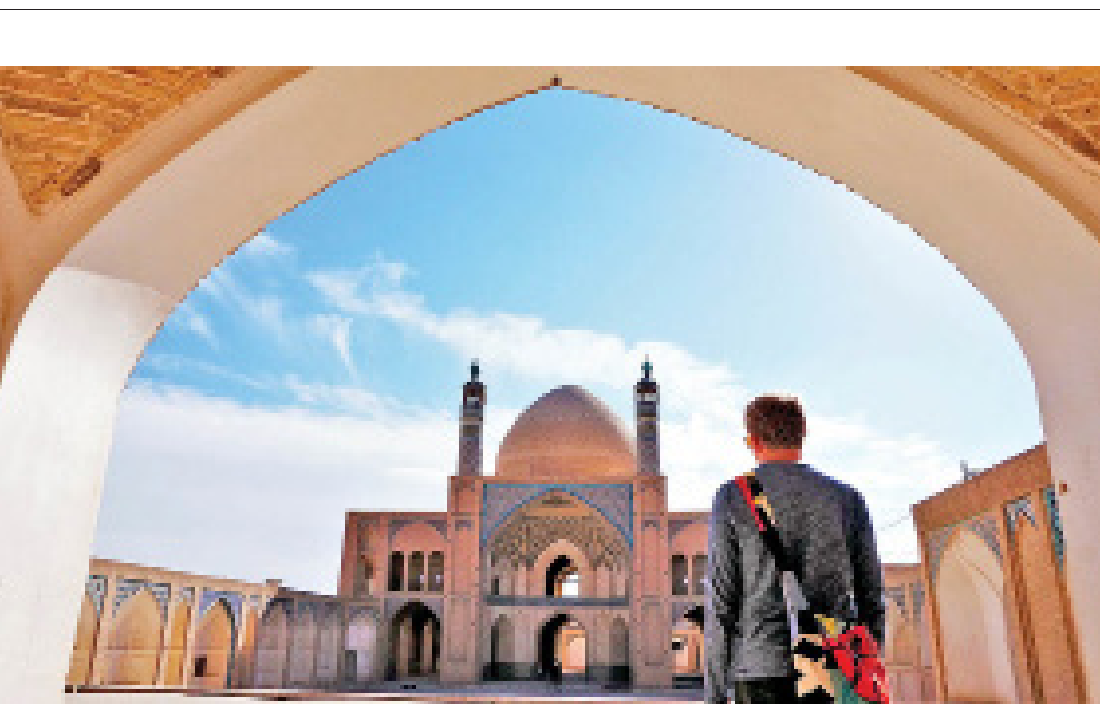
در همین زمینه در این گزارش آمده است: به دلیل حل‌نشدن مساله نظام آماری حوزه گردشگری داخلی و ورودی و وجود ابهام در گزارش‌های ارائه‌شده، تا زمانی که در این زمینه تفکیک دقیق میان سفر، گردشگری، مسافر مرزی و سایر گروه‌ها مشخص نشود، نمی‌توان داده‌های اعلامی را مورد تایید قرار داد. وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و ناظر اجرایی، تحقق کامل این هدف را اعلام کرده‌اند، اما مشخص نیست معیار تعریف «گردشگر ورودی» چیست و چگونه مسافران یا رفت‌وآمدهای مرزی از گردشگران واقعی تفکیک شده‌اند.

### تعریف نادرست از گردشگر

ارشک مسائلی هم در گفت‌وگو با دبای اقتصاد تاکید می‌کند که باید تعریف از توریسم از سوی متولی گردشگری مشخص شود. او می‌افزاید: در



## توسعه همکاری‌های تجاری ایران و پاکستان



اژانس‌ها، رستوران‌ها، فروشگاه‌ها و تولیدکنندگان صنایع‌دستی بهره بگیرد و به این ترتیب، چرخ اقتصاد گردشگری و مشاغل وابسته را به حرکت درآورد. به گفته این کارشناس، اثر مثبت گردشگری زمانی به‌طور کامل آشکار می‌شود که حلقه‌های مرتبط با این زنجیره نیز فعال شوند، او اضافه می‌کند: برای مثال، افزایش تقاضا برای هتل‌سازی می‌تواند صنایع ساختمانی و مصالح را رونق دهد؛ رشد رستوران‌ها می‌تواند بر تولیدکنندگان مواد غذایی اثر بگذارد.

### گردشگران کم‌هزینه و تاثیر محدود در بازار

مسائلی در بخش دیگری از گفت‌وگو، به وضعیت فعلی بازار گردشگری کشور اشاره کرده و می‌گوید: آنچه امروز در کف بازار مشاهده می‌شود، با آمارهای رسمی فاصله دارد. در واقع، بسیاری از کسانی که به عنوان گردشگر وارد ایران می‌شوند، تاثیر اقتصادی قابل‌توجهی بر بدنه صنعت گردشگری ندارند. بخش عمده‌ای از گردشگران ورودی فعلی از کشور عراق هستند که عموما مقصدشان شرق و مرکز ایران است.

در سال‌های اخیر، تا حدودی هم گردشگران عراقی علاقه‌مند به اکوتوریسم اضافه شده‌اند، اما در مجموع میزان هزینه‌کرد آنها به اندازه‌ای نیست که بتواند صنعت گردشگری کشور را سرپا نگه دارد. به گفته او، در گذشته بخشی از گردشگران ورودی از جمهوری آذربایجان بودند که برای درمان، زیارت یا خرید وارد ایران می‌شدند، اما به دنبال تحولات اخیر بخشی از آنها نیز راهی سایر مقاصد می‌شوند. از سوی دیگر، از سال ۱۳۹۶ به بعد، ورود گردشگران از کشورهای اروپای غربی، امریکای شمالی، ژاپن و دیگر کشورهای شرق آسیا به شدت کاهش یافته است. مسائلی می‌افزاید: این گروه از گردشگران کسانی بودند که ارزش افزوده بالایی برای اقتصاد گردشگری ایجاد می‌کردند؛ افرادی که معمولا از خدمات باکیفیت‌تر استفاده می‌کردند و در حوزه‌هایی مانند هتل‌داری، صنایع‌دستی و حمل‌ونقل تاثیر مثبت می‌گذاشتند. حذف این گروه از بازار، عملا باعث شده گردشگری ایران نفس‌نفس بزند و برای بقا تلاش کند.

### آمارهای خوش‌بینانه و واقعیت تلخ میدانی

ارشک مسائلی با نگاهی انتقادی به نحوه انتشار آمارهای رسمی می‌گوید: ممکن است مسوولان عده‌های بزرگ و جذابی از رشد گردشگری اعلام کنند، اما وقتی هتل‌های بزرگ کشور از گردشگران خارجی خالی هستند، این آمارها معنایی ندارد. اگر بدنه واقعی گردشگری از منافع این حوزه بهره‌مند نشود، هیچ درصد و رقمی نمی‌تواند به معنای رونق واقعی باشد. محسن حاجی‌سعید، رئیس جامعه انجمن‌های راهنمایان گردشگری ایران هم از نبود نظام آماری دقیق و به‌روز در حوزه گردشگری انتقاد می‌کند و به «دنیای اقتصاد» می‌گوید: این مشکل به دولت یا وزیر فعلی برمی‌گردد. این معضلی است که دست‌کم بیست سال است اهالی گردشگری درباره‌اش هشدار می‌دهند؛ اینکه ما فاقد نظام آماری منسجم و یکپارچه در حوزه گردشگری هستیم. آمار فعلی، عمدتا بر پایه داده‌های دریافتی از پلیس مرزی و گمرک است و مبنایی دقیق برای شناخت وضعیت واقعی گردشگران ورودی به کشور ندارد.

به گفته او، از نخستین روزهای استقرار دولت فعلی، یکی از نخستین پرسش‌هایی که در وزارت میراث فرهنگی و گردشگری مطرح شد، بحث در این باره که «عدد و رقم واقعی گردشگران ورودی ما چقدر است؟» وجود داشت اما چون مبنای ارزیابی‌ها و گزارش‌های رسمی، همچنان همان آمارهای نادرست گذشته است، وزیران و معاونان ناچار در همان چرخه معیوب باقی مانده‌اند.حاجی‌سعید تاکید می‌کند: این آمارها از سوی فعالان گردشگری قابل قبول نیست. ما از پیش از دوران کرونا روی عدد حدود هفت‌میلیون گردشگر ورودی مانده بودیم و امروز هم بعد از گذر از بحران کرونا، باز همان عدد تکرار می‌شود. در حالی که واقعیت صنعت گردشگری ایران بسیار متفاوت است.

او می‌افزاید: ما نمی‌خواهیم بگوییم ۷ یا ۱۰ میلیون گردشگر داریم. حرف ما این است که اگر ۳۰۰ هزار گردشگر فرهنگی واقعی وارد کشور شوند و در مسیریایی از فارس تا اصفهان و یزد سفر کنند، اثر واقعی بر اشتغال، اقامتگاه‌ها، صنایع‌دستی و تورهایی داخلی می‌گذارند. اما آمار رسمی، مسافران عبوری و مرزی ... را هم به عنوان گردشگر حساب می‌کند. به گفته رئیس جامعه راهنمایان گردشگری، تفکیک میان زائر، مسافر مرزی و گردشگر واقعی نخستین گامی است که باید در نظام آماری کشور انجام گیرد. او می‌گوید: ما باید بدانیم آن گردشگری که به اقتصاد کشور و اشتغال پایدار کمک می‌کند، چه تعداد است، نه صرفا کسی از مرز عبور کرده یا ویزا گرفته است. متولی گردشگری باید تفکیکی روشن میان این سه گروه ارائه دهد تا بتوان برنامه‌ریزی موثر انجام داد.

### حساب‌های آقماری: راه علمی شناخت اثر گردشگری

حاجی‌سعید همچنین بر ضرورت راه‌اندازی «حساب‌های آقماری گردشگری» تاکید می‌کند؛ ابزاری که در بسیاری از کشورهای دنیا برای سنجش تاثیر واقعی گردشگری بر تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود. او می‌افزاید: یکی از علمی‌ترین روش‌های شناخت اثر اقتصادی گردشگری، حساب‌های آقماری است. به گفته او برای دستیابی به تصویری واقعی‌تر از وضعیت گردشگران ورودی، می‌توان آمار بازدید از بناهای تاریخی و اقامت در هتل‌های مقاصد اصلی گردشگری ایران یعنی اصفهان، شیراز و یزد را مبنا قرار داد.

حاجی‌سعید توضیح می‌دهد: اگر میانگین بازدید گردشگران خارجی از سایت‌های تاریخی شاخص مثل مجموعه نقش جهان اصفهان، تخت جمشید، یا کاخ گلستان را بررسی کنیم و تفکیک ملیتی هم داشته باشیم، می‌توانیم به عددی نزدیک به واقعیت برسیم. آمار این بازدیدها نشان می‌دهد چه تعداد گردشگر فرهنگی واقعی به ایران آمده‌اند. مناسفانه در این آمارها، رقم واقعی بسیار کمتر از چیزی است که در گزارش‌های رسمی اعلام می‌شود.

او ادامه می‌دهد: همچنین میزان اقامت گردشگران خارجی در هتل‌های مقاصد اصلی گردشگری ایران، شاخص دیگری است. اگر تفکیک کنیم که مثلا چه تعداد گردشگر و از چه کشورهایی اقامت داشته‌اند، می‌توانیم بفهمیم بازار هدف ما کدام کشورها هستند و چرا برخی بازارها از دست رفته‌اند. حاجی‌سعید معتقد است بخش بزرگی از مشکلات کنونی گردشگری ایران به سبب حوزه‌ها فراتر از متولی گردشگری برمی‌گردد. او می‌گوید: باید سایر نهاده‌ها و وزارتخانه‌ها هم پای کار باشند. این فعال بین‌رشته‌ها می‌توانند با همکاری هم، موضوع گردشگری را به‌عنوان یک محور گفت‌وگو در سفرهای دیپلماتیک خود قرار دهند، او می‌افزاید: وزرای خارجه و گردشگری می‌توانند به کشورهای هدف توریسم سفر و موانع سفر شهروندان آن کشورها به ایران را رفع کنند. بخشی از این کشورها همسایگان ما هستند، بخشی کشورهای مسلمان، و بخشی شرکای اقتصادی. اگر این روابط عادی و روان نشود، آمار گردشگری ورودی هم به‌تدریج واقعی خواهد شد.

<p>رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران در سفر به پاکستان در دیدار با فعالان اقتصادی بر موضوعاتی همچون توسعه همکاری‌های تجاری و تسریع در روند تجارت آزاد دو کشور تاکید کردند.</p>
<p>به گزارش روابط عمومی سازمان توسعه تجارت ایران، نشست اقتصادی ایران و پاکستان با حضور محمداقرب قالیباف ریاست مجلس شورای اسلامی ایران و محمدعلی دهقان دهنوی معاون وزیر صمت و رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران و مشارکت گسترده فعالان اقتصادی پاکستان برگزار شد. در این نشست بر موضوعاتی همچون توسعه همکاری‌های تجاری و تسریع تجارت آزاد با کشور پاکستان تاکید شد.</p>
<p>همچنین در ادامه این سفر، دهقان دهنوی با احمد فیض رئیس سازمان توسعه تجارت پاکستان دیدار و گفت‌وگو کرد. موضوعاتی همچون تجارت آزاد و برطرف کردن موانع و مشکلات روابط تجاری دوجانبه، بررسی مرزها و بازارچه‌های مرزی و تسهیل در روند کاری گمرک‌های دو کشور از جمله مباحث مطرح‌شده در این دیدار بود.</p>

## اخذ مجوز واردات ۵٫۵میلیون تن نهاده‌های دامی

شهریور ماه هیچ مشکلی در عرضه نهاده‌های دامی وجود نداشت و حتی میزان عرضه نسبت به سال‌های قبل بیشتر بود، اما با تاخیر در پرداخت اعتبارات ارزی بازارگان به تامین‌کنندگان خارجی، فرآیند خرید و حمل مجدد نهاده با وقفه روبه‌رو شد.

حسینی مقدم افزود: اکنون تخصیص ارز سرعت گرفته و امیدواریم این روند ادامه‌دار باشد تا تاخیرهای قبل جبران شود. وی در همین حال به خشکسالی نیز اشاره کرد و ایسن چالش را یکی از دلایل افزایش میزان واردات نهاده‌های دامی نام برد. مدیرکل دفتر بازرگانی داخلی وزارت جهاد کشاورزی در مورد جمعیت دامی کشور گفت: حدود ۶۵میلیون رأس دام سسبک، ۶۵میلیون رأس دام سسبک، ۲۰۰ هزار رأس گاومیش و ۲۰۰ هزار نفر شستر در کشور وجود دارد و در بخش طیور نیز ماهانه حدود ۱۵۰ میلیون جوجه‌ریزی مرغ گوشتی انجام می‌شود و جمعیت مرغ تخم‌گذار، مرغ مادر و خطوط ایجاد و لاین، بخش عظیمی از تولید پروتئین کشور را تشکیل می‌دهد.

وی افزود: این جمعیت دام و طیور کشور، سالانه حدود ۷۸ تا ۸۰میلیون تن نیاز خوراک دارد که از ۴ بخش شامال علوفه‌های مرتعی حدود ۱۰میلیون تن، علوفه‌های مزرعه‌ای ۲۸ تا ۳۰میلیون تنن، ضایعات و بقایای زرایی و کاه و کلش حدود ۲۰میلیون تن و در نهایت ۱۸ تا ۱۹میلیون تن نهاده وارداتی که از طریق سامانه بازارگاه توزیع می‌شود. حسینی مقدم درباره ثبت‌سفارش نهاده‌های دامی نیز گفت: ثبت‌سفارش یکی از کارهایی که وزارت جهاد کشاورزی برای واردات نهاده‌های دامی انجام می‌دهد و آمار حاکی از آن است که ما از برنامه‌ها در این حوزه جلو هستیم برای مثال برای ذرت دامی ۱۰۵ میلیون تن، برنامهریزی کردیم درحالی‌که در ۷ ماه اسماال حدود ۹میلیون تن ثبت‌سفارش داشتیم و این موارد جدا از مجوزی است که از ستاد تنظیم بازار کشور گرفته‌ایم.

# سنگ ایران در حصار سیاست‌های مغل تولید و تجارت

آورندهٔ امری که نمتنها شفافیت اقتصادی را کاهش داده، بلکه انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری را در این صنعت نیز تضعیف کرده است.

پیمان‌سازی ارزی در عمل به ابزاری برای کنترل صوری جریان ارز بدل شده، بی‌آنکه کمکی به تعادل ارزی کشور کند. در حالی که در اغلب کشورها صادرکنندگان معدنی تشویق می‌شوند تا ارز حاصل از صادرات را در توسعه فناوری و ارتقای خطوط تولید هزینه کنند، در ایران سیاست‌ها به گونه‌ای طراحی شده که مسیر سرمایه‌گذاری مجدد را مسدود می‌کند. اصلاح این وضعیت نیازمند بازنگری فوری در سازوکار بازگشت ارز است تا صادرکنندگان بتوانند منافع خود را برای توسعه فعالیت‌های معدنی و خرید ماشین‌آلات مدرن به کار گیرند.برای افزایش سهم ایران در بازار جهانی سنگ، مسکن، مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ و فوری ضروری است. نخستین گام، اصلاح سیاست پیمان‌سازی ارزی و ایجاد اعطاف در نحوه بازگشت ارز صادراتی است. دولت می‌تواند با تعریف سازوکاری مشخص، اجازه دهد صادرکنندگان سنگ، ارز حاصل از فروش خود را برای تأمین ماشین‌آلات، مواد اولیه و توسعه فناوری مصرف کنند.



تعیین می‌کند هر بهره‌بردار چه میزان نهاده باید دریافت کند و پرداخت‌ها نیز هم‌زمان با حرکت کالا انجام شود.

حسینی‌مقدم با تاکید بر الزام توزیع نهاده‌ها از طریق سامانه بازارگاه اظهار کرد: هرگونه فروش نهاده دامی خارج از سامانه بازارگاه قاچاق و تخلف است.

وی افزود: وزارت جهاد کشاورزی پرونده‌های تخلف مربوط به عدم ایفای تعهدات و عرضه خارج از شبکه را تشکیل داده و به تعزیرات و نهادهای نظارتی ارسال کرده است. مدیرکل دفتر بازرگانی داخلی وزارت جهاد کشاورزی تاکید کرد: اگر هر فرد یا تولیدکننده، مستعداتی از عرضه آزاد دارد، می‌تواند آن را ارائه کند تا برخورد انجام شود. وی درباره علت گلایه برخی دامداران از تاخیر در تحویل نهاده، گفت: از ابتدای اسمال تا پایان

ارزنی پایدار و ارزان نیز به چالشی جدی برای صنایع مرتبط با سنگ بدل شده است. قطعی برق و گاز در فصل‌های اوج مصرف، سبب توقف تولید در کارخانه‌های فرآوری می‌شود و سفارش‌های صادراتی را تاخیر مواجه می‌سازد.

در بازاری که زمان تحویل و استمرار تولید تعیین‌کننده اعتبار برند است، چنین ناپایداری‌هایی به‌ازدست‌رفتن مشتریان بین‌المللی منجر می‌شود. بنابراین، تأمین انرژی پایدار برای صنایع معدنی باید در اولویت سیاست‌گذاران قرار گیرد تا تولیدکنندگان بتوانند تعهدات صادراتی خود را حفظ کنند. یکی از جدی‌ترین موانع صادرات سنگ در سال‌های اخیر، سیاست پیمان‌سازی ارزی بوده است. الزام صادرکنندگان به بازگرداندن ارز حاصل از صادرات در سامانه نیما، با نریزهایی پایین‌تر از نرخ واقعی بازار، عملا سود اقتصادی صادرات را از بین برده است. بسیاری از صادرکنندگان سنگ، به‌ویژه آنهایی که معاملات خود را با مشتریان خارجی به‌صورت نقدی یا توافقی انجام می‌دهند، امکان بازگشت ارز از مسیر رسمی را ندارند. این محدودیت باعث شده بخشی از فعالان از عرضه صادرات خارج شوند و بخشی دیگر ناگزیر به فعالیت غیررسمی روی

تغییرات مکرر در مقررات عوارض صادراتی، پیمان‌سازی ارزی و بخشنامه‌های گمرکی، عملا امکان برنامهریزی بلندمدت را از فعالان اقتصادی سلب کرده است. صادرکننده‌ای که برای حضور در

بازارهای جهانی نیازمند ثبت در قواعد تجارت است، نمی‌تواند در فضایی فعالیت کند که سیاست‌ها به‌صورت ناگهانی تغییر می‌کنند و هر تصمیم جدید، هزینه تازه‌ای بر دوش تولیدکننده می‌گذارد. این بی‌ثباتی، نمتنها بازارهای سنتی صادرات سنگ ایران در کشورهای همسایه را تهدید کرده، بلکه مانع از ورود به بازارهای جدید نیز شده است.

افزون بر موانع مقرراتی، افزایش هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل نیز فشار مضاعفی بر صادرکنندگان

وارد کرده است. در شرایطی که رقبای اصلی ایران به یارانه‌های انرژی و دسترسی به ماشین‌آلات مدرن متکی هستند، بخش عمده‌ای از واحدهای فرآوری سنگ در کشور هنوز با ماشین‌آلات فرسوده دهه‌های گذشته فعالیت می‌کنند. این وضعیت موجب کاهش بهره‌وری، افزایش ضایعات سنگ و بالا رفتن قیمت تمام‌شده می‌شود؛ در حالی‌که بازار جهانی سنگ تزئینی روزبه‌روز رقابتی‌تر می‌شود و مشتریان به‌دنبال کیفیت بالا با قیمت پایین‌تر هستند. از سوی دیگر، محدودیت در دسترسی به



## روزنامه در اقتصاد

**یکشنبه ۰۳ اسفند ماه ۱۴۰۴** • شماره ۸۶۷
www.marzeghtesad.ir

#### حذف فقرا از شبکه‌های خانگی

با رشد اینترنت پرسرعت و نفوذ گوشی‌های هوشمند وی‌اودی‌ها به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تفریح خانوارها تبدیل شده‌اند. بررسی هزینه اشتراک نسبت به درآمد کاربران، حجم تولید محتوا و مدل‌های درآمدی پلتفرم‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که بازار ایران در مسیر توسعه تولید محتوای اختصاصی قرار دارد، فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی و منطقه‌ای مانند ترکیه و نتفلیکس وجود دارد و موفقیت بلندمدت نیازمند سرمایه‌گذاری و سیاست‌های حمایتی هدفمند است.

تناسب خرید اشتراک

در سال‌های اخیر مصرف سرویس‌های ویدئو (VOD) به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تغییر الگوی تفریح خانوارها تبدیل شده است. در این بین همزمان با رشد اینترنت پرسرعت و افزایش نفوذ گوشی‌های هوشمند پلتفرم‌های داخلی و خارجی تلاش می‌کنند با ارائه محتواهای متنوع و تولید اختصاصی کاربران بیشتری جذب کنند. بررسی نسبت هزینه اشتراک این سرویس‌ها به درآمد ماهانه کاربران به ویژه در میان گروه‌های با حداقل درآمد نشان‌دهنده میزان دسترسی و توان مالی کاربران برای بهره‌گیری از خدمات دیجیتال است و می‌تواند به عنوان معیاری برای تحلیل فشار اقتصادی و ظرفیت تولید محتوای بومی مورد استفاده قرار گیرد.

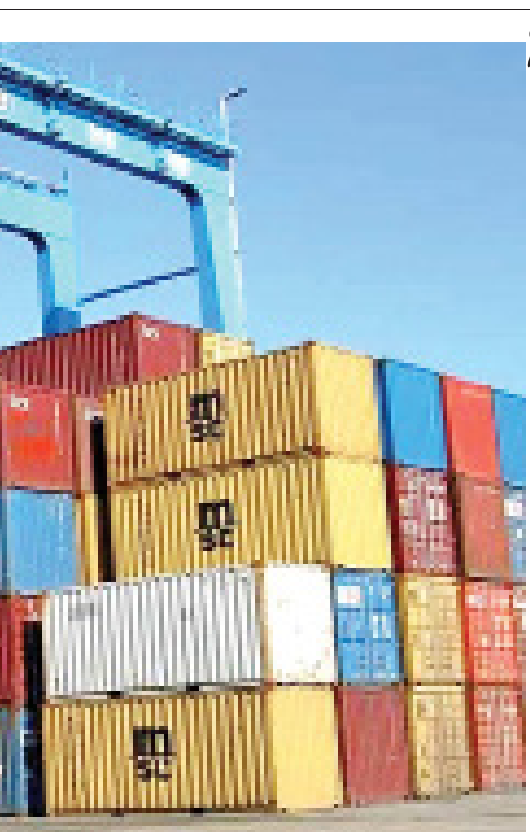
در این راستا بر اساس داده‌های موجود هزینه اشتراک سرویس‌های ویدئو در ایران با میانگین حدود ۱۹۰ هزار تومان در ماه معادل تقریبی ۱.۶ درصد از حداقل حقوق ۱۲ میلیون تومانی کارگران است. در آمریکا نیز با فرض حداقل دستمزد فدرال ۱۷.۲۵دلار در ساعت و اشتراک استاندارد نتفلیکس به قیمت ۱۷.۹۹ دلار، این نسبت به حدود ۱.۴ درصد از درآمد ماهانه می‌رسد. از منظر عددی سهم هزینه اشتراک از درآمد در دو کشور نزدیک به نظر می‌رسد، اما تفاوت سطح دستمزد، قدرت خرید و هزینه‌های پایه زندگی باعث می‌شود پرداخت این سهم برای کاربران ایرانی فشار اقتصادی بیشتری ایجاد کند.

درحالی‌که در آمریکا تماشای استریمینگ بخشی از سبب تفریحات دیجیتال خانوار است، در ایران اشتراک VOD همچنان کالایی نیمه‌لوکس محسوب می‌شود و بسیاری از کاربران برای کاهش هزینه از اشتراک‌های گروهی یا تخفیف‌های فصلی استفاده می‌کنند. اما حالا سوال اینجاست که تولید محتوای وی‌اودی‌های داخلی در چه وضعیتی نسبت به پلتفرم‌های جهانی مانند نتفلیکس قرار دارد؟ از منظر تولید محتوا نتفلیکس به‌عنوان بزرگ‌ترین سرویس وی‌اودی جهان سالانه میلیاردها دلار برای تولید و خرید محتوا هزینه می‌کند و بیش از ۴ هزار عنوان تولید داخلی در فهرست خود دارد.

تنها در سال ۲۰۲۳ بیش از ۸۰۰ عنوان جدید شامل سریال، مستند و فیلم سینمایی منتشر شد و این پلتفرم در بیش از ۱۹۰ کشور فعالیت می‌کند و بیش از ۲۷۰ میلیون مشترک پرداختی دارد. در مقایسه پلتفرم‌های ایرانی با آرشوی بالغ بر ۹۵ هزار عنوان عمدتاً از طریق خرید حقوق پخش خارجی و تولید محدود داخلی فعالیت می‌کنند؛ بر اساس گزارش‌ها یکی از پلتفرم های اصلی در سال ۱۴۰۰ تنها حدود ۳۰ سریال جدید تولید کرده و سهم آن از بازار داخلی حدود ۶۵ درصد تخمین زده شده است. این آمار نشان می‌دهد بازار ایران در حال گذار از مرحله پخش‌کننده محتوا به تولیدکننده فعال است، اما فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی دارد.

همچنین در این بین درحالی‌که سرویس‌هایی مانند نتفلیکس با سرمایه‌گذاری‌های چندمیلیارد دلاری سالانه به تولید سریال‌ها و فیلم‌های اختصاصی می‌پردازند پلتفرم‌های داخلی ایرانی عمدتاً بر تولید محتوای کم‌هزینه‌تر تمرکز دارند. بخش قابل‌توجهی از تولیدات داخلی شامل رئالیتی‌شو، برنامه‌های سرگرمی کوتاه و محتوای سبک شبکه‌های اجتماعی است که هزینه تولید پایین‌تری دارند و امکان جذب سریع مخاطب را فراهم می‌کنند. این رویکرد به پلتفرم‌ها اجازه می‌دهد ضمن مدیریت محدودیت‌های مالی و زیرساختی همزمان محتوای متنوع ارائه کنند و بازار خود را توسعه دهند، اما فاصله آنها با استانداردهای جهانی در زمینه سریال‌ها و فیلم‌های بلند اختصاصی همچنان مشهود است.

البته علاوه بر تولید و عرضه محتوا و حفظ پایداری کسب و کار از مدل‌های متنوع درآمدی استفاده می‌کنند. مهم‌ترین این روش‌ها شامل دریافت اشتراک ماهانه یا سالبانه از کاربران است که بخش عمده درآمد پلتفرم‌های جهانی و داخلی را تشکیل می‌دهد. برخی سرویس‌ها با همکاری با ارائه‌دهندگان اینترنت و SPها قرارداد می‌بندند تا اشتراک‌های خود را به‌صورت بسته‌های ویژه همراه با اینترنت ارائه کنند این روش علاوه بر جذب کاربران جدید هزینه دسترسی را برای آنها کاهش می‌دهد. در کنار آن برخی پلتفرم‌ها در آمد قابل‌توجهی از فروش تراфик مصرفی و پهنای باند دارند.



## اما و اگرهای خصوصی‌سازی گمرک

**✎** **عرشیا حسن پور** – وزیر اقتصاد واگذاری بخشی از گمرکات به بخش خصوصی را به‌عنوان یکی از راهکارهای حل مسأله رسوب کالا مطرح کرده است. فعالان اقتصادی معتقدند علت مشکل مذکور، چالش‌های نهادی و ساختاری است و تغییر مدیریت آن نهاد تنها باعث پیچیده‌تر شدن فرآیندها خواهد شد.

«طرحی برای ساماندهی و اصلاح گمرکات کشور تهیه شده که یکی از محورهای اصلی این ساماندهی، واگذاری برخی از گمرکات به بخش خصوصی است.» این تازه‌ترین اظهارات وزیر اقتصاد درباره رفع مشکل رسوب کالا در گمرکات کشور است؛ فعالان بخش خصوصی بر این باورند که واگذاری بخشی از فرآیند تشریفات گمرکی، اقدامی برای بهبود و تسریع کالا محسوب می‌شود، اما واگذاری کامل برخی از گمرکات کشور در عمل ناممکن است. در سوی دیگر، تأکید می‌شود که خصوصی‌سازی برخی از گمرکات در شرایط پابرجا ماندن چالش‌هایی همچون سیاست‌های ارزی، منجر به رفع مشکلات نخواهد شد.

اعلام سیاست تازه وزارت اقتصاد مبنی بر «واگذاری بخشی از گمرکات به بخش خصوصی» بار دیگر بحث دبیجی خصوصی‌سازی را زنده می‌کند؛ مسیری که اگر بدون بازتعریف نقش دولت و تعیین دقیق حدود اختیارات و تفاوت وظایف سیاستگذار با امور اجرایی پیش‌رو، نه‌تنها به بهبود کارایی گمرک منجر نخواهد شد، بلکه می‌تواند منشأ واگرایی نهادی، میهم‌سازی مسوولیت‌ها و تشدید ناکارآمدی شود. واگذاری گمرک‌های کشور به بخش خصوصی گرچه در ظاهر با هدف کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش بهره‌وری بیان می‌شود، اما به‌دلیل ابهام در تعریف بخش خصوصی و تجربه‌های ناموفق گذشته، پرسش‌های جدی را پیش‌روی سیاستگذار قرار می‌دهد.

در میان سخنان مدنی‌زاده موضوع واگذاری «ایکس‌ری‌ها» نیز مطرح شد که بیانگر تلاش برای انتقال بخشی از فرآیند کنترل و بازرسی کالا به بیرون از ساختار دولتی است. با این حال، در ادامه توضیحی ارائه نشد که این خصوصی‌سازی در چه سطحی رخ می‌دهد؛ صرفاً واگذاری عملیات



است یا انتقال کامل مدیریت، اختیارها، ساختار و نیروی انسانی؟ گرچه خصوصی‌سازی به‌عنوان یکی از راه‌های برون‌رفت از اقتصاد دولتی و افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها و دستیابی به توسعه اقتصادی محسوب می‌شود و فرآیند خصوصی‌سازی نیز از سال ۱۳۷۰ آغاز شده است، اما اقتصاد ایران تجربه متفاوتی از این واگذاری‌ها تجربه کرده است. در واقع خاطره تلخ واگذاری‌های ظاهری نه‌تنها موجب بهبود وضعیت نشده، بلکه همچنان تصدی‌گری‌های دولت به صورت غیرمستقیم ادامه یافته است. نمونه بارز آن خصوصی‌سازی در صنعت خودرو است که گرچه در ظاهر انجام شد، اما مالکیت واقعی همچنان در دایره نهادهای عمومی و شبه‌دولتی باقی ماند و دخالت دولت در تعیین مدیران نه‌تنها کاهش نیافت، بلکه پیچیده‌تر شد.

**انتقال بدون اختیار؟**

اکنون نگرانی مشابه درباره گمرک نیز وجود دارد. هنگامی که وزیر اقتصاد از خصوصی‌سازی سخنان می‌گوید، پرسش اساسی آن است که خصوصی‌سازی برای دولت به معنای واگذاری کدام مسوولیت‌ها است؟ اگر قرار باشد گمرک از نظر حقوقی همچنان زیرمجموعه دولت باقی بماند، قوانین و تکالیف تغییری نکنند و تنها مدیریت آن به افرادی خارج از بدنه دولت سپرده شود، آنگاه معیار تشخیص مسوولیت، پاسخ‌گویی و ضمانت اجرا مبهم باقی می‌ماند. در چنین فضایی، واگذاری بیشتر به انتقال مسوولیت بدون انتقال اختیار شباهت دارد.

در سوی دیگر، ممکن است رویکرد فعلی دولت نوعی سلب مسوولیت تلقی شود، چراکه سنکدار وزارت اقتصاد در سخنان خود تأکید می‌کند که چالش‌های گمرک ناشی از سیاست‌های ارزی و تجاری است و از

سویی همان سیاستگذار قصد دارد بخش مهمی از مدیریت گمرک را واگذار کند. البته این موضوع نیز پدیده‌ای تازه در اقتصاد کشور نیست. در بسیاری از حوزه‌ها، تصمیم‌گیری میان وزار تخانه‌ها، نهادهای فرابخشی و بخش خصوصی تقسیم شده است.

در این میان باید اشاره کرد که گمرک مجموعه‌ای پیچیده از قوانین بین‌المللی، تعهدهای تجاری، استانداردها و فرآیندهای تخصصی است. در نتیجه خصوصی‌سازی در گمرک به‌معنای تدوین «دستورالعمل جدید» نیست، بلکه به‌معنای اجرای بهتر دستورالعمل‌های موجود است. البته اگر همان دستورالعمل واحد در ساختاری دوگانه توسط مدیرانی با منافع متفاوت اجرا شود، پیامد آن چیزی جز تعارض رویه‌ها و منافع، چندگانگی در سیاستگذاری و اجرای قانون و افزایش بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی نخواهد بود.

نکته قابل‌توجه در بحث واگذاری برخی از گمرک‌ها به بخش خصوصی آن است که اصل «برون‌سپاری فرآیندهای اجرا» می‌تواند قابل دفاع باشد؛ به‌ویژه در بخش‌هایی مانند انبارداری، حمل‌ونقل داخلی، بهره‌برداری از تجهیزات (مانند ایکس‌ری)، با خدمات دیجیتال، مشروط بر آن که همین فرآیند، کوتاه‌مدت و موقت نباشد تا سرمایه‌گذاران بخش خصوصی تمایل به سرمایه‌گذاری در گمرکات داشته باشند.

#### ابهامات خصوصی‌سازی

فعالان بخش تجاری کشور درباره اظهارات وزیر اقتصاد مبنی بر واگذاری گمرکات به بخش خصوصی می‌گویند که این موضوع مبهم است و مشخص نشده کدام بخش قابلیت واگذاری دارد. آنها عنوان می‌کنند که واگذاری ساختار اصلی و تشریفات گمرکی در عمل ممکن نیست؛ زیرا گمرک از منابع مهم درآمدی دولت است و در هیچ‌کجای دنیا به بخش خصوصی سپرده نمی‌شود. به گفته آن‌ها، احتمالاً منظور وزارت اقتصاد صرفاً بخش‌های اجرایی مانند تخلیه، بارگیری، انبارداری، جابه‌جایی کالا و بهره‌برداری از اسکله‌ها است؛ اموری که پیش‌تر نیز در مواردی به بخش خصوصی واگذار شده و می‌تواند با نظارت گمرک انجام شود. با این حال، تصمیم‌گیری و امور اصلی گمرکی قابل واگذاری نیست.

بر این اساس، احمدرضا فرشچیجان، رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیایاقتصاد» گفت: اظهارات وزیر اقتصاد مبنی بر واگذاری برخی از گمرکات به بخش خصوصی ابهامات زیادی دارد و مدنی‌زاده به صورت دقیق مشخص نکرده است که کدام بخش از گمرکات کشور قابلیت واگذاری دارند. حال ممکن است برنامه وزارت اقتصاد واگذاری اینبارها باشد یا بخش اظهارات و تشریفات گمرکی.

او در ادامه توضیح داد: به نظر می‌رسد این واگذاری در عمل چندان قابلیت اجرا ندارد و بعید است دولت به چنین واگذاری رضایت دهد. احتمال دارد منظور وزیر امور اقتصادی و دارایی از «واگذاری گمرکات» بیشتر ناظر بر بخش‌های اجرایی و عملیاتی مانند تخلیه، بارگیری، انبارداری، جابه‌جایی کالا یا بهره‌برداری از اسکله‌ها و تخصیص محموله باشد، اما اصل ساختار گمرک، در هیچ‌کجای دنیا به بخش خصوصی واگذار نمی‌شود و چنین طرحی نیز تاکنون در کشور مطرح نشده است. فرشچیجان افزود: البته باید به این نکته اشاره کرد که واگذاری تشریفات گمرکی نیز غیرقابل‌اجرا به نظر می‌رسد، زیرا گمرک از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت است و چگونگی می‌تواند کنترل آن را به بخش خصوصی سپرد؟ در نتیجه به‌احتمال زیاد منظور مدنی‌زاده صرفاً عملیات فیزیکی و اجرایی گمرکات بوده است؛ مسائلی مانند تخلیه و بارگیری، جابه‌جایی کالا، انتقال محموله به کشتی و تخلیه از آن. این موارد، از جمله اموری است که در بسیاری از کشورهای جهان به‌طور معمول به بخش خصوصی سپرده می‌شود و امری طبیعی به شمار می‌رود، اما اصل گمرک به‌هیچ‌وجه قابل واگذاری نیست.

او در پایان با اشاره به نمونه مشابه این نوع واگذاری‌ها گفت: طی سال‌های گذشته برون‌سپاری اجرای بخشی از یک فرآیند به بخش خصوصی مشاهده شده است، با اکنون بسیاری از فعالیت‌های بندری توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. این مساله موضوع تازه‌ای نیست و عملیات اجرایی اگر به‌درستی سپرده شود، می‌تواند منجر باشد، چراکه شرکت‌های خصوصی تجربه و توانایی لازم را دارند و می‌توانند امکاناتی ایجاد کنند یا حتی به گمرک اجازه بدهند یا خود آنها امور را انجام دهند و گمرک تنها نقش نظارتی داشته باشد. در نهایت نیز باید تأکید کرد که اصل «کار گمرکی» به‌معنای تصمیم‌گیری و تشریفات، امکان واگذاری ندارد.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که به‌نظر می‌رسد اصل واگذاری بخش‌هایی از گمرک به بخش خصوصی، در ذات خود نه اقدامی نادرست است و نه لزوماً ناکارآمد، اما تجربه نشان می‌دهد که چالش‌های گمرک در ایران بیش از آنکه ناشی از متولی اجرا باشد، ریشه در نارسایی‌های نهادی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، ضعف هماهنگی سیاست‌های ارزی و تجاری و اجرای ناقص مقررات دارد. بنابراین اگر قرار باشد بدون اصلاح بسته‌های حکمرانی، نوسازی زیرساخت‌های نظارتی، تعیین دقیق حدود مسوولیت و بازتعریف جایگاه سیاستگذار و مجری، صرفاً تصدی بخشی از امور اجرایی جابه‌جا شود، حاصل چیزی جز بازتولید همان مشکلات پیشین در قالبی تازه نخواهد بود. واگذاری می‌تواند مکمل تغییرات باشد، اما جایگزین آن نیست، به‌ویژه در نهادهی که مساله اصلی آن ترخیص است و نه نتولی.

تغییرات مکرر در مقررات عوارض صادراتی، پیمان‌سپاری ارزی و بخشنامه‌های گمرکی، عملاً امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از فعالان اقتصادی سلب کرده است. صادرکننده‌ای که برای حضور در بازارهای جهانی نیازمند ثبات در قواعد تجارت است، نمی‌تواند در فضای فعالیت کند که سیاست‌ها به‌صورت ناگهانی تغییر می‌کنند و هر تصمیم جدید، هزینه تازه‌ای بر دوش تولیدکننده می‌گذارد. این بی‌ثباتی، نه‌تنها بازارهای سنتی صادرات سنگ ایران در کشورهای همسایه را تهدید کرده، بلکه مانع از ورود به بازارهای جدید نیز شده است.

افزون بر موانع مقرراتی، افزایش هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل نیز فشار مضاعفی بر صادرکنندگان وارد کرده است. در شرایطی که رقبای اصلی ایران به پاران‌های انرژی و دسترسی به ماشین‌الات مدرن منکی هستند، بخش عمده‌ای از واحدهای فرآوری سنگ در کشور هنوز با ماشین‌الات فرسوده دهه‌های گذشته فعالیت می‌کنند. این وضعیت موجب کاهش بهره‌وری، افزایش ضایعات سنگ و بالا رفتن قیمت تمام‌شده می‌شود؛ در حالی‌که بازار جهانی سنگ تزئینی روزبه‌روز رقابتی‌تر می‌شود و مشتریانی به‌دنبال کیفیت بالا یا قیمت پایین‌تر هستند. از سوی دیگر، محدودیت در دسترسی به انرژی پایدار و ارزان نیز به چالشی جدی برای صنایع مرتبط با سنگ بدل شده است. قطعی برق و گاز در فصل‌های اوج مصرف، سبب توقف تولید در کارخانه‌های فرآوری می‌شود و سفارش‌های صادراتی را با تأخیر مواجه می‌سازد.

## پاشنه آشیل ارز ترجیحی



گرفت پرداخت ارز ترجیحی ۴۲۰۰تومانی را متوقف کند. با حذف ارز ۴۲۰۰تومانی، نرخ ارز در نیمه دوم همان سال با روندی صعودی مواجه شد. در نتیجه، دولت برای جلوگیری از افزایش دوباره قیمت کالاهای اساسی، ارز ترجیحی جدیدی با نرخ ۲۸هزار و ۵۰۰تومان تعیین کرد. هدف از این اقدام، حفظ ثبات قیمتی نسبی در بازار کالاهای ضروری و کاهش فشار تورمی بر اقشار آسیب‌پذیر بود.

با گذشت چند سال از اجرای این سیاست، اکنون شکاف قابل‌توجهی میان نرخ ارز ترجیحی و قیمت ارز در بازار آزاد مشاهده می‌شود. آخرین بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ ارز در بازار آزاد به حدود ۱۰۷ هزار و ۹۰۰ تومان رسیده است؛ به این ترتیب، اختلافی نزدیک به ۸۰ هزار تومان میان نرخ ارز ترجیحی و قیمت ارز در بازار آزاد وجود دارد. با افزایش تفاوت قیمت ارز، پیامدهایی که در سال پایانی پرداخت ارز ۴۲۰۰ تومانی تجربه شد، مجدداً در حال تکرار است و به نظر می‌رسد بار مالی یارانه ارزی بر بودجه دولت بیشتر شده است. به همین دلیل، کارشناسان اقتصادی معتقدند در شرایط فعلی، تعیین نرخ ثابت به عنوان ارز ترجیحی، نمی‌تواند یک سیاست کارآمد باشد. زیرا افزایش شکاف میان قیمت ارز در بازار آزاد و نرخ ثابت ارز ترجیحی، مانند یک پاشنه آشیل عمل خواهد کرد و موجب تشدید پیامدهای منفی این سیاست می‌شود. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود در صورت

ادامه تخصیص ارز ترجیحی، نرخ آن به صورت نسبیی از نرخ ارز بازار آزاد یا نرخ ارز تجاری تعیین شود تا فاصله میان این دو نرخ در طول زمان افزایش پیدا نکند.

#### چرا یارانه‌های ارزی از تحقق اهداف تورمی موفق نبودند؟

تخصیص ارز با نرخ پایین‌تر از قیمت بازار می‌تواند به‌عنوان یک رانت ارزی برای مصرف‌کننده، تولیدکننده و واسطه‌ها عمل کند. در سیاست تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی، هدف سیاستگذاران این بود که با کاهش قیمت مواد اولیه، قیمت نهایی کالاهای اساسی برای مصرف‌کننده ثابت و یا با افزایش قیمت کمتری حفظ شود و از این طریق فشار تورمی بر خانوارها کاهش یابد.

با این حال، بررسی قیمت کالاهای مشمول ارز ترجیحی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که سود ناشی از این رانت به مصرف‌کننده نهایی نرسیده و حتی در برخی موارد افزایش قیمت کالاهای مشمول از ترجیحی باعث از رشد قیمت عموم کالاها بوده است. مطالعات سازمان برنامه و بودجه کشور حاکی از این است که تنها حدود ۳۰درصد اثر یارانه ارزی به مصرف‌کننده نهایی رسیده و ۷۰درصد باقی‌مانده به واردکنندگان و واسطه‌ها می‌رسد. این وضعیت علاوه بر کاهش اثرگذاری سیاست برای مصرف‌کننده، انگیزه‌ای برای برخی افراد ایجاد کرده تا به دلیل سود حاصل از رانت ارزی، به عنوان واردکننده یا واسطه وارد زنجیره تأمین و تولید کالا شوند. طولانی‌تر شدن این زنجیره، سهم مصرف‌کننده نهایی از مزایای ارز ترجیحی را کاهش داده و باعث ناکارآمدی سیاست شده است. آخرین آمارها نشان می‌دهد که از ابتدای سال سال جاری حدود ۹میلیارد دلار ارز برای کالاهای اساسی و دارو تخصیص یافته است، اما نابرابری تورمی همراه کاهش از افزایش ۶۵ درصدی قیمت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها نسبت به مهرماه سال گذشته است.

در چنین شرایطی، کارشناسان تأکید دارند که ادامه تخصیص ارز ترجیحی، به ویژه با نرخ ثابت، نمی‌تواند در کنترل آثار تورمی بر معیشت مردم موثر باشد. راهکار پیشنهادی آنان شامل کاهش تدریجی دامنه کالاهای مشمول ارز ترجیحی و پرداخت کالابریگ با مبالغ بالاتر و هدفمند به دهک‌های درآمدی ۱ تا ۳ است تا حمایت از اقشار آسیب‌پذیر افزایش یافته و همزمان از فشار مالی تخصیص ارز ترجیحی بر بودجه دولت کاسته شود.

## اعتراض دانشجویان به اینترنت طبقاتی

در حالی‌که وزارت علوم یوتیوب را برای بیش از ۱۳ دانشگاه کشور رفع فیلتر کرده است، دانشجویان دو دانشگاه تهران و صنعتی شریف با انتقاد از این تصمیم، آن را اقدامی تبعیض‌آمیز و ناقض عدالت ارتباطی دانستند. دانشجویان این دو دانشگاه در بیانیه‌ها و نامه‌های جداگانه‌ای تأکید کرده‌اند که «دسترسی محدود و گزینشی به اینترنت ارائه نه تنها کمکی به آموزش نمی‌کند، بلکه شکاف طبقاتی و نابرابری دیجیتال را در کشور عمیق‌تر می‌سازد. شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در بیانیه‌ای اعلام کرده است که رفع فیلتر یوتیوب تنها برای دانشگاه‌های خاص، «مصداق تشدید نابرابری و تبعیض ساختاری» است.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «دسترسی محدود اقساری معین، مانند پرسنل دانشگاه‌ها و دانشجویان برخی دانشگاه‌های خاص، مشخصاً در جهت طبقاتی‌کردن دسترسی به بدیهی‌ترین

حقوق شهروندی است. این طرح، شکاف طبقاتی موجود در مناسبات اجتماعی را تعمیق می‌بخشد و اگر برای تمامی اقشار جامعه امکان‌ساز نباشد، مصداق سیاستی نابرابر و سلطه‌آمیز خواهد بود.» شورای صنفی این دانشکده تأکید کرده است که جامعه دانشگاهی باید «در برابر هرگونه سیاست فرودست‌سازی و سلب امکانات از طبقات محروم بایستد» و خواستار لغو سیاست‌های تبعیض‌آمیز دسترسی به فضای دیجیتال شده است.شورای صنفی دانشگاه صنعتی شریف نیز در نامه‌ای سرگدشته به وزیر علوم، اقبال این وزارت‌خانه را نشانه‌ای نگران‌کننده در مسیر عدالت آموزشی و ارتباطی برابر دانسته است. در این نامه خطاب به وزیر علوم آمده است: «اگر هدف واقعا تسهیل آموزش است، چرا تمام جامعه از این تسهیل بهره‌مند نمی‌شود؟ آیا وزارتخانه‌ای که داعیه عدالت آموزشی دارد، نباید برای دسترسی آزاد دانشجویان به منابع علمی تلاش کند، نه برای محدودسازی آن؟»

# کارنامه ۲۴۳ روزه



**عرفان حمیدی** – خیلی ناگهانی تمام شد.

خیلی ناگهانی تمام شد. رویای انجام کار نیمه تمامی که ریکاردو ساپینتو برای آن به استقلال برگشته بود، عبث ماند تا احتمالا برای همیشه پرونده حضور سرمربی پرتغالی در ایران بسته شود؛ البته اگر دوباره جنگی نشود که همه مربیان خارجی از دسترس خارج شوند و فقط او آماده کار در اینجا باشد! ساپینتو در

# آخرین خارجی

و دورمی، کنار دوستانش فوتبال بازی می‌کند!همچنین بسیاری از هابکها واقعا تاریخ مصرفشان تمام شده. تیمی که برای تغییر آهنگ بازی میلاد سرلک را به میدان می‌فرستد، نمی‌تواند مدعی کسب عنوان قهرمانی باشد. در خط حمله هم شما علی علیپور را می‌بینید که تقریبا ۱۵۰۰ دقیقه است در جریان بازی موفق به گلزنی نشده.

در این میان خریدهای خود اوسمار هم چنگی به دل نزنند و واقعا ناامیدکننده(و حتی بحسبثرانگیز) بودند. در پست دفاع چپ، فرزین معلمه‌گری جذب شده که اتفاقا رقم رضایتنامه بالایی هم داشته، اما در چند بازی اولش حسایی صدای منتقدان را در آورده. کیفیت او چنان است که دل هواداران برای میلاد محمدی مصدوم تنگ شده!مدافع راست خریداری شده هم وضعیت مشابهی دارد. دنیل گراه با ارفاق یک بازیکن متوسط و کند است. او که روی هر دو گل خیبر مقرر بود، یک پنالتی عجیب در این بازی داد که از ثانیه به ثانیه آن، سنگین بودن این بازیکن به چشم می‌آمد.

شکست، پشت شکست؛ این خلاصه داستان این روزهای پرسپولیس است. قرمزها قبلا فقط خارج از خانه می‌یافتند، حالا اما کسبوکارشان را توسعه دادند و در مسابقات خانگی هم به رقبا «ه» نمی‌گویند!شکست ۲بریک برابر خیبر خرم‌آباد در ورزشگاه اکباتان، سومین باخت پیاپی شاگردان اوسمار ویرا بود. آنها پیش‌تر به ملوان و گل‌گهر هم باخته بودند، گل‌گهری که خودش این هفته پنج گل از چهارملو یزد خورد!

راستش تحلیل فنی شرایط پرسپولیس، نکته خاصی چندانای ندارد. یعنی در حقیقت چیزی نیست که قبلا گفته نشده باشد. ترکیب تیم، مسن و فرسوده است. بسیاری از بازیکنان در فرم فعلی‌شان، اصلا در قواره‌های پوشیدنی پیراهن پرسپولیس نیستند. به عنوان مثال مرتضی پورعلی‌گنجی که این روزها با مصدومیت‌محمدحسین کنعانی‌زادگان توانسته به ترکیب اصلی برگردد، قشنگ شمایل یک بازیکن بازنشسته را دارد!هه کسی که مثلا سه سال از اویختن کفش‌هایش می‌گذرد و گاهی برای تفریح

## ورزش

**روزنامهٔ «درزاقتصاد»** یکشنبه ۵۳ه اسفند ۱۴۰۴ • شماره ۶۷ه ۸۶۷ www.marzeghtesad.ir

▼ **مهدی روی دور خوشبختی**

در آتن، جایی که ورزشگاه «کارایسکاپس» هر هفته با شور قرمز هواداران می‌لرزد، حالا نامی تازه روی لب‌هاست؛ مهدی طارمی. شنبه‌شب در دیداری که المپیاکوس برای حفظ جایگاهش در صدر جدول به چیسژی جز برد نمی‌اندیشید، ستاره ایرانی تیم با درخشش خود آتش حمله‌های سرخ‌پوشان را شعلهور کرد. دقیقه ۶۰، طارمی از میان مدافعان آریس عبور کرد و با ضربهای دقیق دروازه حریف را گشود؛ گلی که نه‌تنها سه امتیاز حیاتی برای تیم مندیلیبار به همراه داشت، بلکه موجب شد دوران تازه‌ای در خط حمله المپیاکوس برای مهدی آغاز شود.

اما درخشش مقابل آریس، تنها یک گل ساده نبود. آمار طارمی نشان می‌دهد که او به مرز آمادگی کامل رسیده است: ۸۹ درصد پاس سالم (۱۷ از ۱۹)، ۸۳ درصد دقت پاس در زمین حریف، یک شوت در چهارچوب، دو دوتل زمینی و یک پیروزی در نبرد هوایی. طارمی با نمره ۷.۲ در جمع بهترین بازیکنان میدان قرار گرفت و پس از پوندسه، کاشتینیا و نزولاکیس چهارمین بازیکن برتر دیدار بود.

این دومین هفته متوالی است که طارمی در ترکیب اصلی المپیاکوس قرار می‌گیرد و دومین هفته‌ای که نام او در فهرست گلزنان می‌درخشد. در واقع، از زمانی که حوزه لوئیس مندیلیبار تصمیم گرفت نقشی متفاوت به مهاجم ایرانی بدهد، مسیر فنی تیم یونانی دستخوش تغییر مثبت شده است. مندیلیبار سرمربی باتجربه اسپانیایی، در ابتدا طارمی را به عنوان بازیکنی مکمل برای ایوب الکمی جذب کرده بود؛ مهاجمی مراکشی که در سال‌های اخیر به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های المپیاکوس تبدیل شده است. الکمی با سابقه‌ای پرپار در گلزنی، چنان جایگاهی بین هواداران دارد که نیمکت‌نشینی‌اش تقریبا غیرقابل تصور است. از همین رو، مأموریت اولیه طارمی هشوار به نظر می‌رسید: درخشش در تیمی که یک ستاره باثبات در نوک حمله دارد.

اما مندیلیبار خیلی زود متوجه شد که راهکارش برای بهره‌برداری از توانایی‌های طارمی، تغییر در نقش اوستت نه تغییر در سیستم تیم. او بدون دست‌زدن به ساختار همیشگی ۱-۲-۳-۴ المپیاکوس، طارمی را از نوک حمله به پست هافبک نفوذی منتقل کرد؛ جایی درست پشت سر ایوب الکمی. این تغییر، نتیجه‌ای فوق‌العاده داشت. در دیدار سنتی برابر ا.ا.ک آتن، طارمی نخستین‌بار در این پست جدید به میدان رفت و بلافاصله درخشید. او با یک گل تماشایی و نمایش هوشمندانه، نمره عالی ۸.۳ را از کارشناسان گرفت و عنوان بهترین بازیکن زمین را از آن خود کرد. همین عملکرد کلفی بود تا مندیلیبار در بازی بعدی مقابل آریس نیز دوباره به ترکیب مشایه اعتماد کند. طارمی باز هم پاسخ اعتماد سرمربی‌اش را با گل و دوندگی مثال‌زدنی داد. نکته جالب اینجاست که در فاصله کوتاهی، طارمی از بازیکنی ذخیره به یکی از عناصر اصلی ترکیب المپیاکوس تبدیل شده است. آماژئن «گونا» همه چیز استند: در شش حضور او، سوپرلیگ یونان، که تنها دو بازی آن فیکس بوده، او موفق شده ۴ گل بزند و یک پاس گل بدهد. یعنی به طور میانگین، هر ۲۸ دقیقه یک تأثیر مستقیم روی گل‌های تیمش دارد؛ آماری در سطح مهاجمان تراز اول اروپا.

در سوی دیگر، ایوب الکمی با ۹ بازی، ۶ گل و یک پاس گل عملکردی ثابت و قابل‌اتکا دارد. اما تفاوت میسان دو مهاجم، نه در تعداد گل‌ها، بلکه در نحوه اثرگذاری بر تیم است. الکمی همچنان تمام‌کننده اول تیم به شمار می‌رود، اما طارمی در نقش جدید خود تبدیل به مغز متفکر خط حمله شده است؛ بازیکنی که هم فضا می‌سازد، هم پاس می‌دهد و هم در موقعیت‌های کلیدی، با هوش بالا گل می‌زند. این روزها در آتن، صحبت از یک زوج تازه است؛ زوجی ایرانی-مراکشی که در مقابلی در زمین دارند. الکمی در نقش تمام‌کننده و طارمی در نقش بازساز مجموعه. ترکیبی استخوانه که مدافعان یونانی به سختی می‌توانند متوقفش کنند. هواداران المپیاکوس حالا دیگر طارمی را نه به عنوان «جاشین الکمی»، بلکه به عنوان مکمل ارزشمند و ستاره‌ای تازه در قلب تیمشان می‌شناسند. اگر این روند ادامه پیدا کند، شاید خیلی زود نام مهدی طارمی همان‌قدر که در پور تو بر سر زبان‌ها بود، در آتن هم با شور و افتخار فریاد زده شود. ■

▼ **ستارگان کلبا روی نوار ناکامی**

برای نخستین‌بار در تاریخ فوتبال، یک باشگاه خارج از ایران پنج بازیکن ایرانی را هم‌زمان در ترکیب خود دارد، اما نتیجه آن، چیزی جز ناکامی و سرخوردگی نبوده است.الاتحاد کلبا که در ابتدای فصل با هزینه‌های سنگین سراغ ستاره‌های لیگ برتر ایران رفت و جمعی از ملی‌پوشان را با امارات آورد، حالا پس از گذشت ده هفته از لیگ ادنوک، در میانه‌های جدول سرگردان است و نشانی از تیمی مدعی ندارد. روز شنبه در ورزشگاه شیخ حمدان اتانهام به این موضوع اشاره کرد که تیمش در این هفته مجموعا با حضور ۱۲ بازیکن تمرین کرده است. کریستین رومرو، لولکس بر گوال، محمد کدوس، رودریگو بنتانکور، دژان کولوسفسکی و دستینی لودویگ قطعا غایب هستند. هرچند شانس بازگشت ریچاردلسون و بדרو پورو وجود دارد. در سمت مقابل نیز احتمالا کای هاورتز و مارتین اودگار به ترکیب آرسنال برگردند اما میکل ترسوی همچنان غایب خواهد بود.

بازی رفت دو تیم با پیروزی چهار بر یک آرسنال در روز هت‌تریک ابرجی از، یکی از یکطرفه‌ترین دربی‌های چند سال اخیر شمال لندن بود. اما اوضاع از آن زمان تا امروز تغییرات زیادی کرده است؛ ازه که در بازی آخر برابر اتانهام شش بار گلزنی کرد.

حین جنگ ۱۲ روزه با مدیران آبی به توافق رسید و خیلی سریع خودش را به تهران رساند تا هدایت استقلال را به عهده بگیرد. حالا هم که احتمالا در مسیر بازگشت به خانه است.

**شروع عجیب**

ساپینتو در شرایطی شاگردانش را آماده کرد که مدیران تیم در یک انفعال عجیب به سر می‌بردند و خبری از خریدهای جدید نبود. خود او هم که به واسطه حکم کمیته انضباطی بابت رفتار گذشته‌اش، ۴ ماه از نخستن روی نیمکت محروم بود و کار را هم با شکست در سوپر جام مقابل تراکتور شروع کرد. پس از تغییراتی جزئی در بدنه مدیریتی، بریز و بهاش استقلال در نقل و انتقالات شروع شد و گران‌قیمت‌ترین تیم تاریخ باشگاه بسته شد. سپس نوبت به باخت عجیب ۷بریک برابر الوصل در سطح دوم آسیا رسید تا همه یکه بخورند؛ آیا ابراز علاقه برای بازگرداندن سلاپینتو از سوی هواداران و تلاش برای کاهش محرومیتش از طرف مدیران آن هم در شرایطی که تیم پرستاره‌ای در اختیارش قرار گرفته، کار درستی بود؟

**بازگشت به اوج**

پس از کسب چند نتیجه ناامیدکننده، ورق برگشت. استقلال بردهای پیاپی به دست می‌آورد و خودش را به صدر جدول رساند. همین موضوع سبب شد بار دیگر اقبال عمومی به سمت سرمربی پرتغالی روانه شود و همه از قضاوت زودهنگام او، خجالت‌زده شوند. تیم ساپینتو برخلاف دوره قبلی حضورش، دیگر در بازی‌های بزرگ ناکام همیشگی نبود و اگر از آسیا فاکتور بگیریم، تسا به اینجای فصل لیگ برتر به هیچ رقیب بزرگی نیاخت. هرچند پس از مدتی، افت گریبان استقلال را گرفت و روند نتایج به یک نمودار سینوسی شبیه شد. از شانس آبی‌ها، حتی رقبا هم پا به پای آنها فراز و فرود داشتند تا در این روزها همچنان همه مدعیان شانس قهرمانی داشته باشد؛ از جمله استقلال.

**وداع ناگهانی**

دبل شدن برابر الحسین اردن، چیزی بود که حتی بدبین‌ترین هوادار استقلال هم فکرش را نمی‌کرد، اما پیش آمد تا نماینده ایران خیلی زود به کارش در سسطح دوم لیگ قهرمانان آسیا پایان دهد. در این شرایط، برخی اعتقاد داشتند ریکاردو سلاپینتو به دلیل این ناکامی و باخت‌های متعدد دیگر در طول فصل، باید صندلی‌اش را تحویل شخص دیگری بدهد. از آن طرف، مسیر هموار قهرمانی در جام حذفی و همچنین صدرنشینی مشترک در لیگ برتر در کنار هزینه گزاف قطع همکاری با سرمربی پرتغالی، تعداد موافقان او را بیشتر جلوه می‌داد. اما مدیریت باشگاه که مشخصا از انتقادات چند هفته اخیر ساپینتو رنجیده خاطر بود (در ببانیه قطع همکاری چنین چیزی به چشم می‌خورد) تصمیم گرفت بدون اینکه حتی مراتب انتخاب جانشین طی شود، مرد پرتغالی را اخراج کند. در نهایت ساپینتو که در دوره اول ۳۶ بار روی نیمکت استقلال نشسته بود و میانگین ۲.۱ امتیاز را به ثبت رسانده بود، این بار در ۲۶ مسابقه میانگین ۱.۵ امتیاز داشت و حالا باید به دنبال تیم جدیدی بگردد.

# آخرین خارجی

به هر حال اوسمار ویرا و مدیران پرسپولیس باید در مورد چنین خریدهایی توضیح بدهند. هرچند جذب سرگیف در خط حمله بد نبوده و این بازیکن با ۳ گل زده شروع موفقیت‌آمیزی در ترکیب سرخپوشان داشته است.

در نهایت فعل‌و‌فعلات پرسپولیس به جایی رسیده که ممکن است اوسمار ویرا هم به زودی ایران را ترک کند. پس از جدایی اسکوچیچ از تراکتور و ساپینتو از استقلال، حالا اوسمار تنها سرمربی خارجی لیگ برتر است، اما شرایط برای او و تیمش خوب پیش نمی‌رود. مرد برزیلی در نشست خبری پس از بازی با خیبر، از مدیریت باشگاه به خاطر بیابیه تندی که هفته قبلیش علیه ارکان تیم صادر و آنها را جریمه مالی کرده بود، انتقاد کرد و نیز مدعی شد اگر مشکل تیم خودش باشد، حاضر است با توافق جدا شود و جای خودش را به فرد دیگری بدهد. هرچند گویا باشگاه فعلا گزینه دست به نقد ندارد و تا این لحظه ترجیح داده دست به کادرفنی نزند.

آنتونیو آدان، دروازه‌بان اسپانیایی استقلال، در دیدار مقابل الوحدات اردن یکی از بهترین بازیکنان زمین بود و نقش پررنگی در حفظ دروازه تیمش ایفا کرد. در شرایطی که حریف اردنی در نیمه دوم فشار زیادی وارد کرده بود و چند موقعیت خطرناک روی دروازه استقلال خلق شد، آدان با واکنش‌های سریع و تصمیم‌گیری‌های دقیق خود مانع از باز شدن دروازه تیم شد. او در چند صحنه با خروج‌های بموقع و مهارهای تماشایی، نشان داد که تجربه بالای حضور در فوتبال اروپا همچنان در عملکردش تأثیرگذار است.

اگر در آن دقایق حساس آمادگی و تمرکز بالای آدان نبود، احتمال داشت استقلال در لحظات پایانی گل دوم را هم دریافت و حتی بازی را واگذار کند.

با این حال، دروازه‌بان اسپانیایی استقلال با اعتمادبنفس بالا درون دروازه ایستاد و سد محکمی در برابر حملات الوحدات ایجاد کرد. این عملکرد باعث شد تا خیال ریکاردو ساپینتو تا حد زیادی از بابت وضعیت دروازه‌بان تیمش راحت شده. به ویژه پس از دوره‌ای که آدان به دلیل مصدومیت و ناهماهنگی با تیم دور از ترکیب اصلی مانده بود.

آدان اکنون در مسیر بازگشت به روزهای اوج خود قرار دارد و اگر بتواند این روند را حفظ کند، بدون تردید در دربی پایتخت نیز گزینه اصلی ساپینتو برای حفاظت از دروازه استقلال خواهد بود.

# سلام دوباره به یوز ایرانی



نقش بستن تصویر یوز ایرانی روی پیراهن تیم

ملی فوتبال ایران طی سال‌های گذشته تدریجا به هویتی نمادین برای فوتبال کشورمان تبدیل شده است؛ نشانه‌ای که هم پیام محیط‌زیستی دارد و هم نوعی امضای بصری برای تیم ملی محسوب می‌شود. اتفاقی که باعث شد حتی لقب تیم ملی فوتبال ایران به «یوزها» تغییر کند. مسیری که از دغدغه‌های حفاظت از گونه‌های در خطر انقراض آغاز شد، حالا به یکی از شناخته‌شده‌ترین عناصر طراحی لباس ایران در تورنمنت‌های بین‌المللی رسیده و هر بار بازگشت یا حذف آن، با واکنش‌های فراوانی همراه بوده است.

نخستین‌بار در آستانه جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ بود که ایده استفاده از یک نماد زیست‌محیطی روی لباس تیم ملی جدی شد. هم‌زمان با تلاش کشورهای مختلف برای بهره‌گیری از ظرفیت فوتبال در جلب توجه افکار عمومی به مسائل زیست‌محیطی، پیشنهاد قرار گرفتن یوزپلنگ ایرانی به‌عنوان گونه‌ای در معرض خطر مطرح شد. این طرح پس از رایزنی‌های فراوان به مرحله اجرا رسید و ایران با پیراهنی متفاوت پا به بزرگ‌ترین رویداد جام جهانی گذاشت؛ لباسی که فراتر از نتیجه‌های داخل زمین، در رسانه‌های بین‌المللی هم بازتاب گسترده‌ای داشت. این روند در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ ادامه پیدا کرد، اما با فراوانشیب‌هایی همراه بود. در مرحله مقدماتی، تصویر یوز همچون نمایی پیراهن دیده می‌شد، ولی هنگام حضور در رقابت‌های اصلی، به‌دلیل برخی محدودیت‌ها و ایرادهای فنی و مقرراتی، اندازه و جایگاه آن کوچک‌تر شد و عملا از جلوه اصلی افتاد. با این حال، همان حضور حداقلی هم باعث شد، ارتباط ذهنی هواداران با این نماد قطع نشود.

در جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ اما شرایط متفاوت بود. یوز تقریبا از روی پیراهن حذف شد و تنها نشانه‌هایی بسیار محدود از طرح پوست آن روی آستین یا کنار لباس باقی ماند. همین موضوع انتقادهای زیادی را میان هواداران و فعالان محیط‌زیست برانگیخت، چراکه بسیاری معتقد بودند این نماد می‌توانست پیام فرهنگی و ملی مهمی را منتقل کند و حذفش به معنای از دست رفتن یک فرصت ارزشمند است. اکنون و در آستانه جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶ بار دیگر زرمعمه‌ای بازگشت یوز ایرانی شنیده می‌شود؛ اتفاقی که می‌تواند دوباره نگاه‌ها را متوجه فوتبال ایران کند. به گفتم مهدی محمدنبدی، مکانیاب لارم با فیفا انجام شده و نمونه‌های فیزیکی پیراهن‌های اول و دوم تیم ملی به همراه سایر تجهیزات در کارگاه‌های مربوطه ارائه شده است. او تأکید کرده طرح پیشنهادی که شامل نماد یوزپلنگ است، مورد تأیید اولیه قرار گرفته و احتمالا با همین شکل نهایی خواهد شد.نکته مهم دیگر، سیردن تولید البسه به یک شرکت ایرانی است؛ تصمیمی که می‌تواند به تقویت توان داخلی و خلق طرحی بومی‌تر منجر شود. قرار است مراسم رونمایی نیز پیش از اعزام تیم برگزار شود تا هواداران از نزدیک با لباس جدید آشنا شوند. اگر این بازگشت به‌درستی اجرا شود، یوزپلنگ ایرانی دوباره می‌تواند به‌عنوان پلی میان فوتبال، هویت ملی و دغدغه‌های محیط‌زیستی عمل و پیراهن تیم ملی را

# سرنوشت‌ساز؛ از قهرمانی تا سقوط

موقت تا پایان فصل،انتخابی غیرمنتظره از سوی مربیان اتانهام بود و گزارش‌ها حاکی از این است که اگر او بتواند تیمش را در نیمه ابتدایی جدول و بین ۱۰ تیم بالای جدول قرار دهد، می‌تواند همچون کاری که در یوونتوس انجام داد، خود را از یک سرمربی موقت تبدیل به سرمربی دائم کند. نکته جالب اینکه تودور در پنج باشگاه قبلی خود، همواره بازی ابتدایی خود را به عنوان سرمربی به پیروزی رسانده است.

آرسنال هم مانند اتانهام در این بازی فقط برد می‌خواهد و کوچکترین لغزش در کورس با تیم پپ گواردیولا، به معنای از دست رفتن رؤیای قهرمانی خواهد بود. وقتی سیتی در آنفیلد با یک گل از لیورپول عقب افتاده بود، آرسنالی‌ها تپه‌شان را با ۹ اختلاف امتیاز بالاتر از سیتی می‌دیدند. اما پس از بازگشت سیتی و پیروزی در آن مسابقه، همه چیز به ضرر توپچی‌ها پیش رفت. دو تساوی متوالی برابر برنتفورد و ولوز، این تیم را با یک بازی بیشتر و پنج امتیاز بیشتر نسبت به سیتی در صدر جدول قرار داده است. در سال ۲۰۲۶، تنها وستهم و کریستال پالاس امتیازات بیشتری را پس از پیشی گرفتن از حریفان به نسبت آرسنال از دست داده‌اند و این تیم با وجود پیش بودن از یونایتد، برنتفورد و ولورهمپتون، ۷ امتیاز را در سال ۲۰۲۶ تقدیم رقبا

شاید بتوان دربی امشب شمال لندن را حساس‌ترین بازی دو تیم در طول چند فصل اخیر قلمداد کرد. اتانهام بحران‌زده پس از اخراج توماس فرانک و نتایج کابوس‌وار در هفته‌های اخیر که آنها را به نوعی وارد کورس بقا در لیگ برتر انگلیس کرده، پس از اخراج توماس فرانک و با سیل عطشی از بازیکنان غایب در اولین بازی ایگور تودور از آرسنال صدرنشین پذیرایی می‌کند و در سمت مقابل آرسنال پس از تساوی عجیب مقابل ولورهمپتون جدولی در بازی‌ای که زودتر از موعد برگزار شد، بیش از هر زمانی نفس‌های منچسترسیتی را در کورس قهرمانی پشت سر خود احساس می‌کند. برای هواداران اتانهام که بعضا نشان داده‌اند عدم قهرمانی آرسنال حتی از موفقیت خودشان هم اهمیت بیشتری دارد، این بازی یک جدال حساس و بسیار حیاتی خواهد بود و انتظار می‌رود که جو ورزشگاه اتانهام هاتسپر، به شکلی ویژه آماده یک جدال سرنوشت‌ساز باشد که می‌تواند مسیر کورس قهرمانی و بقا را در ادامه فصل دستخوش تغییر کند.

اتانهام که در هشت بازی اخیر لیگ برتری خود به برد نرسیده، تنها پنج امتیاز با منطقه خطر فاصله دارد و تنها تیم بدون برد لیگ برتر در سال ۲۰۲۶ است و در آستانه شکستن رکورد سال ۱۹۹۴ با عدم پیروزی در ۱۰ بازی اول خود قرار دارد. انتخاب ایگور تودور به عنوان سرمربی

<sup>[1]</sup> در آتن، جایی که ورزشگاه «کارایسکاپس»

**صاحب امتیاز:** موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوبن

**مدیر مسئول:** ابوالفضل حمیدی

**چاپ:** جام جم

**آدرس:** تهران، بلوار مرداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶

**تلفن:** ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰

**گستره توزیع :** سراسری

**شرکت توزیع :** نشر گستر



## پازل ناتمام توسعه در مناطق محروم

**۹** مرتضی اکبری –یکی از ارکان پیشرفت هر کشور، توجه به توسعه مناطق کمتر برخوردار است. توسعه صنعتی ایران در دهه ۴۰ و ۵۰ آغاز شد.

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

واحدهای صنعتی در استان کردستان

نقشی بوده که در فیلم‌نامه نوشته شده و او را به یک دیو باهوش‌ترین، کاربلدترین و بازیگرترین افرادی است که و انسان خشن تبدیل می‌کرد.

این بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگویی که اخیراً است و دلیل این امر جایگاهی است که از مسیر دغدغه‌ها، مهران احمدی، بازیگر نقش بهبود در سریال «پایتخت»، در فضای مجازی منتشر شده است درباره «پایتخت» و مسائل، مشکلات، دیدگاه‌ها و گستره وسیع تجربیات به درباره‌ی پیشین در این سریال عنوان کرد که مساله اصلی‌اش همکاری با این سریال‌گفت: «محسن تانباخه یکی از آن رسیده است.»

سال آینده پیش‌بینی شده، اما تحقق آن به وضعیت منابع مالی دولت بستگی دارد. در کنار این مسائل، کمبود سرمایه‌گذار از دیگر مشکلات استان به شمار می‌رود.

این عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران در پاسخ به این پرسش که چرا برخی واحدهای صنعتی در استان‌های کمتر توسعه‌یافته پس از مدتی تعطیل می‌شوند، گفت: در این استان، بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌گذاری‌ها توسط اشخاص حقیقی انجام می‌شود و بسیاری از واحدهای صنعتی تسهیلات‌محور هستند یعنی سرمایه‌گذار ابتدا با منابع شخصی آغاز می‌کند، اما در مرحله دریافت تسهیلات با مشکلات مالی روبه‌رو می‌شود. ناهماهنگی بانک‌ها و کمبود نقدینگی باعث شده بسیاری از واحدها حتی پس از احداث تعطیل شوند. برای رفع بخشی از این مشکل، شرکت‌های پتروشیمی حساب‌های خود را به استان منتقل کرده‌اند و منابع تبصره ۱۸ بند «الف» نیز به‌میزان محدودی به واحدهای صنعتی اختصاص یافته است. همچنین، در ابتدای دولت چهاردهم با استنادنری توافق شد تا واحدهای نیمه‌فعال یا متوقف دوباره فعال شوند؛ چراکه بازگرداندن آنها با هزینه کمتر از احداث واحد جدید امکان‌پذیر است.

او با اشاره به علت عدم توجه به زیرساخت‌ها برای ایجاد صنایع در استان‌های کمتر توسعه‌یافته عنوان کرد: در برخی موارد، به دلیل تقدم سیاست‌های حمایتی بر منطق اقتصادی، هدف از اجرای طرح‌ها بیش از آنکه دستیابی به تولید پایدار باشد، اعلام افتتاح یک واحد صنعتی است. در چنین شرایطی، پروژه‌ها پیش از تکمیل زیرساخت‌های ضروری نظیر تامین آب، انرژی، حمل‌ونقل یا دسترسی به بازار آغاز می‌شوند و در ادامه، دولت ناچار به جبران این کمبودها می‌شود. این وضعیت عملاً به انتقال ریسک سرمایه‌گذاری از سرمایه‌گذار به منابع عمومی منجر می‌شود.

عبدالملکی درباره علل تعطیلی واحدهای صنعتی پس از گذشت مدتی از احداث و تأثیر احیای آنها بر اقتصاد، گفت: دلایل متعددی در عدم پایداری برخی واحدهای تولیدی در مناطق کمتر توسعه‌یافته نقش دارد که ازجمله آنها می‌توان به نبود بازار پایدار، فاصله زیاد با زنجیره تامین، هزینه‌های بالای لجستیک، انتخاب فناوری نامتناسب با مقیاس منطقه و اتکای بیش از حد به تسهیلات ارزان‌قیمت به‌جای تکیه بر مزیت‌های اقتصادی اشاره کرد. به بیان ساده، واحد تولیدی ایجاد شده، اما اقتصاد آن شکل درآمده‌اش را در چنین شرایطی، احیای مکرر واحدهای شکست‌خورده با اتکا به بودجه عمومی می‌تواند به قفل شدن منابع مالی در پروژه‌های کم‌بازده، کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران واقعی و شکل‌گیری فرهنگ اتکا به حمایت‌های دولتی به‌جای رقابت‌پذیری منجر شود. روندی که در عمل باعث می‌شود اقتصاد، به جای یادگیری از خطاها، آنها را تکرار کند.

این فعال بخش خصوصی با اشاره به اصلاحات ساختاری لازم برای جلوگیری از هدررفت منابع تصریح کرد: ضروری است رویکرد سیاستگذاری از پرداخت تسهیلات به پروژه به ایجاد مزیت برای منطقه تغییر یابد. به این معنا که ابتدا زیرساخت‌ها، ظرفیت‌های لجستیک و زنجیره‌های ارزش شکل گیرد و سپس سرمایه‌گذار جذب شود؛ چراکه در صورت سودآور شدن یک منطقه، سرمایه به‌طور طبیعی جذب آن خواهد شد، اما ایجاد پروژه‌های مصنوعی به شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های پایدار و غیرواقعی می‌انجامد. تولید لوازم آرایشی فعال هستند.

این فعال بخش خصوصی درباره امتیازاتی که برای سرمایه‌گذاران در این استان در نظر گرفته شده عنوان کرد: با توجه به کمتر توسعه‌یافته بودن استان، سیاست‌ها به‌گونه‌ای تنظیم شده که قابلیت برای سرمایه‌گذاران تسهیل شود. استانداردی دستور داده تمام دستگاه‌های صادرکننده مجوز در پنجره واحد مستقر شوند تا فرآیند صدور مجوزها متمرکز باشد و سرمایه‌گذاران گرفتار بوروکراسی نشوند. همچنین، شورای گفت‌وگوی دولت و بخش